

رئیس - پیشنهادهای دیگر هم در این زمینه هست که از یکصد دینار شروع شده و سه شاهی و یکصد شاهی هم رسیده ولی حال رای می گیریم بقبایل توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقت فرمایند.

(ماده قبلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد - پیشنهاد آقای دکتر مصدق (شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد می کنم یکصد شاهی از صادرات و واردات باستانی حیوانات ذبح و اخذ شود.

دکتر مصدق - بنده مقصودم از پیش نهاد یک توضیحاتی بود و پیش نهاد را چندان اهمیتی نمی دم ولی در زمینه آن توضیحاتی میدهم.

چون در اینجا مذاکره شد که باج راه را بر میدارند و حالا که باج راه رایز میدارند باید عوض آن هم که میخوانند مالایاتی وضع کنند جنس مال التجاره را همان طور که باج راه نمی باشد در نظر بگیرد این جا هم نباید در نظر گرفته شود.

مال التجاره را که از راه میکند هر چه باشد نسبت و ارزشش باید مالایات بگیرند نه نسبت بقیمتش.

علی ای حال قبل از اینکه داخل در مجلس بشوم با این نتی که حقیقه خیلی خوب است و من هم موافق بودم و هشتم خدمت آقای وزیر مالیه عرض کردم که امروز صلاح میدانم این پیشنهاد را به مجلس نیاورید به مقام ریاست هم عرض کردم که اگر ممکن باشد امروز مطرح نشود و در کمیسیون یک تجدید نظری درش شود آتوقت بیاورند.

حالا هم خدمت آقای معاون وزارت مالیه عرض کردم که حالا که شما میخواهید این مالیات و این باج را نسخ کنید اگر واقعا بخواهید همین باج راه را قرار دهید عین همین پیشنهادی است که آقای مدرس فرمودند بجهت اینکه باج راه از وزن مالیات بگیرد شما هم باید از وزن مالیات بگیرد هیچ فرقی نباید بگذارید بین قیمت اشیاء و اگر بخواهید صلاح و صرفه ملک رادر نظر داشته باشید باید احصایه های گمرکی را ما ببینیم و بدانیم چه چیزهایی از ملک خارج می شود و آن چیزهایی که خارج می شود قیمتشان چیست؟

امروز اگر بخواهیم در اشیاء غیر مندرکود صحبت کنیم یعنی هر کس هر چیزی را که ذکر کرده است پیش نهاد بکنند این خیلی مشکل است زیرا خیلی چیزهاست که در اینجا پیش بینی نشده.

آقای مدرس هم فرمودند که از اشیاء غیر مندرکود باید ترسید آن چیزهایی

که غیر مندرکود است خیلی چیزهاست که این پیش بینی نشده و ممکن است یک مالیاتی بهش تعلق بگیرد که فردا برضاه و فقره و صادرات منگت تحمیلیاتی شود.

پس بنظر بنده باید احصایه گمرکی را در نظر گرفت اینکار هم چندان اهمیتی ندارد و در نظر بیست و چهار ساعت میشود اینکار را کرد که احصایه گمرکی را ببینیم و به بینیم از ملک چه چیزهایی می شود و بناسبت قیمتشان یک چیزهایی معین کنیم که صادرات منگت زمین خورد بنده عرض توضیحات بود و پیش نهاد را هم نمی خواهم رای بگیرند و استرداد می کنم.

رئیس - پیشنهاد شافزاده افسر راجع بتریاک است.

(بعضیون ذیل خوانده شد)

بنده پیش نهاد می کنم از تریاک اوله منی چهارقران و از چونه منی ۲ قران گرفته شود.

رضوی - پیش نهاد بنده مقسم است چون کمترین است.

رئیس - اینجا صحبت کم و زیاد نیست.

افسر - البته مطالبی که آقایان بیان کردند و توضیحات مفصل دادند صحیح است زیادی تعبد مالیات بر تریاک غیر عادلانه است و بایستی آقایان بدانند که از تریاک مبلغی در گمرک اخذ می شود و مبلغی هم عوارض دیگر دارد.

بالاخره بایستی فهمید که این تریاکهایی که خارج می شود در مقابل تریاکهایی که وارد می شود از قبیل هندوستان که بیست تریاک ایران هم هست چه تحمیلیاتی برش می شود و باید فکری کرد که تریاک که خارج می شود در مقابل تریاک که داخل می شود آنقدر تعمیل نشود که جلو گیری از صدور آنها بکنند.

اینست که بنده سه قران برای تریاک چونه پیشنهاد کردم و چهار قران برای تریاک اوله که یک قدری امتیاز دارد و از این بیشتر را بنده برای زراعت و صادرات تریاک مضر میدانم و خوب است آقایان رای بدهند.

رئیس - در پیش نهاد دیگر هم بطور اطلاق شده است یکی یک من سه قران و یکی دو ریال آقای مغیر.

مغیر - بنظر مجلس واگذار می کنم، رئیس - رای می گیریم . . .

وزیر مالیه - این پیشنهاد غلط است و خوب است تجزیه شود تریاک اوله یعنی چه؟ تریاک اوله که حمل بخارج نمی شود.

افسر - بنده عرض کردم تریاک اوله نه اینکه گناه داشته باشد یا هیچ بخارج حمل نشود بنده تجزیه اش را هم

قبول میکنم به وجهه تریاک اوله چهارقران تریاک چونه سه قران.

رئیس - آقای مغیر.

مغیر - قبول میکنم.

رئیس - رای گرفته میشود به قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (چند نفری برخاستند)

رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد آقای رضوی مطلق است (شرح زیر قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم از تریاک یک من سه قران گرفته شود - غلامحسین مسعود رضوی.

بعضی از نمایندگان - رد شد بتریاک است.

(بعضیون ذیل خوانده شد)

بنده پیش نهاد می کنم از تریاک اوله منی چهارقران و از چونه منی ۲ قران گرفته شود.

رئیس - بفرمائید.

رضوی - توضیح زیادی هم ندارم به جهت اینکه مکرر توضیح داده شده است مقصود همان مالیات و وسائل نقلیه است و آن هم فرق نمیکند خواه بارش تریاک باشد یا قند باشد قدری که در تمام منگت باید برود - گویند سه شاهی اما تریاک را که کم میگویم سه قران بگویند صدمه وارد می آورد از این جهت بنده این پیشنهاد را کردم که به صادرات منگت هم صدمه وارد نیاد.

وزیر مالیه - چون آن پیشنهادی که سه قران بود رد شد ممکن است چهار قران پیشنهاد کنید و آقای مغیر کمیسیون هم موافقت کنند و ما هم موافقت می کنیم تا نظر آقایان هم تأمین شود.

رئیس - رای گرفته میشود به قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد آقای مدرس بنده گفتیم لایحه از دستور خارج شود که صادرات و واردات و وزن تحقیق از وزارت مالیه شود و در جلسه آتی مطرح شود.

مدرس - بنده گفتیم لایحه از دستور خارج شود که صادرات و واردات و وزن تحقیق از وزارت مالیه شود و در جلسه آتی مطرح شود.

رئیس - آقای یاسائی هم مخالفند؟

یاسائی - بنده هم با خروج از دستور مخالفم.

رئیس - آقایانی که با پیشنهاد آقای مدرس موافقت قیام فرمایند (ماده قبلی برخاستند)

این عقیده من است شما بروید تحقیق کنید بیک قانون هم میشود تحقیق کرد اگر آمدند و گفتند خبر یک میلیون است یک من یک عسبسی بکنید اگر گفتند ۲ میلیون است یک من صد و بیست بکنید.

بنابر این من تقاضا کردم که امروز از دستور خارج شود در جلسه دیگر جزو دستور شود تمام این حرفهایی که ما میزنیم کهنی دانیم عاقبتش چه میشود و اگر تریاک را از قران بکنید چه میشود؟

بالاخره اینها را روی من بگذاریم و از اجناس یک من بزرگ گرفته شود و عقیده من اینست که دو میلیون خروار خارج و داخل میشود که نتیجه اش دو میلیون تومان می شود.

اینرا از گمرک بانقون برسد و بعد بیاید برای بهیبدو امروز اینکار را بکنید و در جلسه دیگر در اول دستور قرار بدهید.

یکنفر از نمایندگان - پس شما میخواهید مدرس - من چرا نمیخواهم لایحه بگذرد شما خبر ندارید که نا حال هزار کاغذ شکایت از ترتیب نوافل برای من آمده من میخواهم این لایحه بگذرد ولی بیک طوری که سر مردم را با اوره نبردند.

وزیر مالیه - اساساً حرف مدرس این است که دولت با آن ترتیبی که آقای مدرس فرمودند که بطور کلی از تمام اجناس یک من بزرگ گرفته شود این را دولت موافقت نیست.

چون یک جنسی است که ماصلاح می دانیم یک شاهی گرفته شود . یکی صد دینار و یکی پنج شاهی والا اسباب زحمت میشود.

این است که عرض کردم سه ماه چهار ماه است دولت در این باب مطالبات خودش را کرده و تمام اطراف قضایا را دیده است صورتهایی که میفرمایند همه را دیده است و مطالبه وقت خودش را کرده است و این لایحه را باینصورت در آورده و پیشنهاد کرده است.

دیگر اینکه عرض کردم که این لایحه از حیث نجات اطراف کار که برای تجارت ضرر نداشته باشد و برای صادرات و واردات ضرر نداشته باشد و اسباب زحمت مردم هم نشده باشد.

بالاخره تمام این قسمت ها در این لایحه منظور شده حالا دیگر بفرمایند بنظر آقایان است.

رئیس - آقای یاسائی هم مخالفند؟

یاسائی - بنده هم با خروج از دستور مخالفم.

رئیس - آقایانی که با پیشنهاد آقای مدرس موافقت قیام فرمایند (ماده قبلی برخاستند)

رئیس - تصویب شد پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب (بعضیون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم از تریاک منی چهار قران گرفته شود.

مغیر - بنده قبول میکنم که مذاکرات خانیه پیدا کند.

رئیس - آقای دولت آبادی بیست نهادتان را چه میکنید؟

دولت آبادی - بفرمائید قرائت شود بنده پیشنهاد می کنم که از تریاک یک من دو قران و یا بنص در نظر گرفته شود دولت آبادی - بنده نمی خواهم داخل در موضوع تجارت تریاک و پیش آمدهای تجارت تریاک و تأثیرات و پیش آمدهای اخیر که این مال التجاره و ترتیبات آن کرده است و ضررهایی که بملکت وارد شده نمی خواهم وارد شود فقط میخواهم عرض کنم تریاک که از ایران خارج میشود بصورت است یک صورتش همان عوارض قانونی است و در بعضی جاهای غیر از عوارض قانونی عوارض غیر قانونی هم دارد بنده از نقطه نظر تریاک اصناف عرض میکنم یک نفر از نمایندگان - اصناف تریاک ندارد.

دولت آبادی - اگر تریاک ندارد بنده حرقش را نزنم صدمه تریاک که از ایران بیرون میرود از اصناف خارج می شود که آمده اند و یک قرارداد با تجار اصنافی کرده اند بطور اجماع که تاجر تریاک فروش اصنافی خودش حق ندارد تریاکش را حمل کند و باید بتوسط پست حمل کند آن وقت یک مبلغ گزافتی که سی و سه تومان یا سی و چهار تومان است از هر صندوقی بگیرند و حمل می کنند.

در این مدت مکرر شکایت از تجار اصنافی شده است که ما نمی توانیم رای بند این قرارداد باشیم . بوقوع تریاک ما نمی رسانند و ضرر پیدا وارد میشود و ما می خواهیم در باب تریاک خودمان آزاد باشیم.

بنده از نقطه نظر کلیه تریاک ایران عرض می کنم یک من پنج قران زیاد است و باید اقل نصف شود و باینرا از این را جایز نمی دانم.

آقای وزیر یک فرمایشی کردند و فرمودند که ما عوض این مالیات از آن عوارض غیر قانونی می گاهیم بنده عرض میکنم بیش از این نباید تعمیل شود تریاک یک جا مالیات میدهند یک جا هم باید صندوقی سی و سه تومان اجباراً مالیات غیر قانونی بیست بدهند یک جا هم یک من پنج قران اینجا بدهند . ببینید چه قدر می شود آن وقت صندوقی هیچ صدمه تومان هم بر آن سی و سه تومان اضافه می شود.

پس دیگر کی خرید و فروش می کند و بالاخره اگر ممکن است اولاً ما در همین هیجده تومان از آن عوارض قانونی به کاغذ بنده عرضی ندارم و الا عقیده بنده این است که یک من پنج قران زیاد است از این جهت نصف پیشنهاد کردم . حالا دیگر بسته است بنظر آقایان.

رئیس - آقای مغیر

مغیر - بنده نمی توانم قبول بکنم.

رئیس - عده کافی نیست . متأسفانه بواسطه بندی بعضی مواد نظام نامه بعضی از آقایان استفاده می کنند و هیچ جزائی هم در بین نیست علی ایحال جلسه را ختم می کنیم جلسه آتی روز شنبه سه ساعت و نیم قبل از ظهر دستور همین دستور امروز (مجلس یک ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس محمد تدین

منشی - م. شهاب

منشی علی خطیبی

جلسه ۲۴۸

صورت مشروح مجلس مورخه شنبه هفدهم بهمن ماه ۱۳۰۴ مطابق بیست و دوم رجب ۱۳۴۴

مجلس دو ساعت قبل از ظهر ریاست آقای تدین تشکیل گردید.

(صورت مجلس پنجشنبه یازدهم بهمن ماه را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمود)

رئیس - آقای نظامی (اجازه)

میرزا بدالله خان نظامی - قبل از دستور عرض ارم .

رئیس - آقای دکتر آقایان

دکتر آقایان - قبل از دستور رئیس - آقای آصف فرج الله خان آصف - بنده ابتداء و کسالت را اخیراً بمقام معترم ریاست اطلاع داده بودم اینجا بنده را غائب بی اجازه نوشته اند گمان میکنم قابل اصلاح باشد.

رئیس - اصلاح می شود آقای شوشتری (اجازه)

شوشتری - بر طبق رای مجلس مقدس القاب ملغی شده و این قضیه در صورت مجلس رعایت نشده است آقای میرزا حسین خان مستوفی را مستوفی الممالک مینویسند و این قضیه از اینجا بجزا هم تجاوز کرده است خوبست رعایت این مسئله بشود و در صورت مجلس القاب را ننویسند.

رئیس - اصلاح میشود آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

که از تریاک یکمن بیکقران اخذ شود لابد آنرا هم مسترد می دارید دولت آبادی - بلی رئیس - پیشنهاد آقای طهرانی (شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد می نمایم پس از جمله سیگار و سیگار اضافه شود . به استثناء توتون .

طهرانی - چون ما اصطلاح سیگار سیگار را درست میدانیم این سیگاری که ما استعمال می کنیم سیگار است که هیچبند شده است ولی آقایان می گویند مراد از سیگار آنهاست و مقصود از سیگار توتونی است که برای استعمال تهیه شده است اگر مقصود از سیگار سیگار است و سیگار عبارت از نفس توتون است که هیچ واگر خیر سیگار غیر از توتون است و نفس توتون نیست باید توتون استثناء شود زیرا به صادرات ما صدمه وارد میسازد ولی اگر مقصود از سیگار همان توتون است که بنده پیشنهاد خودم را مسترد می دارم

رئیس - صراحتاً مسترد می دارید؟

طهرانی - بلی مسترد می دارم

رئیس - پیشنهاد دیگر آقای طهرانی (شرح آن خوانده شد)

این بنده پیشنهاد مینمایم که از هر منی فقط چهار شاهی . . .

طهرانی - اینجا لازم است بنده توضیح بدهم . آقای وزیر فرمودند عامه هم تشریف دارند نطق و شکل وارد صادره دارد . یکی از لوله است یکی هم از روی زمین .

اگر اینجا مقصود از یکمن ده شاهی کلیه نطق است که چه بالوله و چه از روی زمین صادر و وارد میشود ضرری ندارد والا اگر نطق وارد صادره از لوله جزه راه نیست کدام انصاف مقتضی است که از نطقی که باید فلان عاقله دهائی یک شاهی بپرد و شب تا صبح استضاء کند بکنند ده شاهی و از بنزین که قیمتش چهارمقابل نطق است یکمن پنج شاهی بدهد

از این جهت است که بنده پیشنهاد کردم یکمن چهار شاهی و بنزین یکمن پنج شاهی باشد.

رئیس - عقیده آقای مغیر چیست؟

مغیر - بنده نمیتوانم قبول کنم

رئیس - رای گرفته میشود بقبایل توجه بودن این پیشنهاد آقای طهرانی

آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

(ممدودی برخاستند)

رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد آقای مهدوی (اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده اول بعد از جمله شتراسب تا بره نوشته شود (در سرحد مسترد می دارد) یک پیشنهاد دیگر هم داده

گرفته خواهد شد)

مهدوی - بقیمه بنده چون این جا توضیح نشده است و مقصود همین بوده است لازم است این عبارت نوشته شود که در آتیه سوء تفاهم نشود.

مغیر بنده نمیتوانم قبول کنم نظر مجلس و اکتفا میکنم

رئیس - این پیشنهاد اصلاحی است مغیر - بفرماید دوم مرتبه بخوانند (مجدداً شرح سابق قرائت شد)

مغیر - بسیار خوب قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای فرمند و دو نفر دیگر

فرمند - نظریه بنده تأمین شد بنده مسترد میدانم

رئیس - پیشنهاد آقای عدل (باین نحو خوانده شد)

تبصره ذیل را در آفرماده اول پیشنهاد میکنم

مالیه‌های مذکور در فوق فقط يك دفعه در موقع ورود و خروج دریافت و دیگر بهیچ عنوانی در بین راهها و شهرها از بارها چیزی دریافت نمیشود

عدل - عرض میشود همه میدانند که این مالیات عوض نواقص و واج راهها است که در شهرها از مال التجاره و دواب گرفته میشود و بدیهی است که بگمرتبه خواهند گرفت و این خوبهایی که در راهها دراز کرده‌اند باید برداشته شود ولی اینجا برای اینکه تأکید شود که بگمرتبه بیشتر نمیگیرند بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم و با آقای وزیر مالمیه هم مذاکره کردم ایشان هم موافق هستند

وزیر مالمیه - اصلاح این لایحه که نوشته شده است برای همین مقصود است و گمان نمیکنم دیگر ذکرش لازم باشد زیرا خود این قانون برای همین است ولی اگر اصرار دارند مانعی ندارد

مغیر - ماده چهارم صراحت دارد این مسئله را ولی اگر آقایان قانع میشوند و پیشنهادات زیادتری نمی دهند قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای کارزونی کارزونی - نظریه این که نظریات بنده را حضرت آقای وزیر مساعدت کردند و بنامش در کمیسیون اصلاح شود تا تمام پیشنهاداتی که داده‌ام پس میگیرم

رئیس - پیشنهاد آقای نظامی (باین مقدم خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده سوم ... آقا سید به قوب - هنوز به ماده سوم نرسیده‌ام

رئیس - پیشنهاد آقای غلامحسین میرزا مسعود

(باینطور قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در قسمت چهارم اضافه شود:

بعد از غلات (برنج، گندم، ذغال، کتف) ...

بنده این پیشنهاد را دادم هنوز آقای مغیر آن سه قسمتش را قبول نکرده بودند حالا اگر کتف را هم قبول میکنند بنده پیشنهاد راستر میدارم زیرا کتف چیزی نیست که یکصد دهشاهی بدهد

مغیر - قسمت کتف را قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید به قوب (باین طریق قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در ماده اول عوارض متسوجات باین ترتیب معین شود

متسوجات پشمی یکصد من در قران

متسوجات پشمی یکصد من در قران

متسوجات کتان یکصد من در قران

متسوجات ابریشمی یکصد من بکتومان معین شود

آقا سید به قوب - بنده این پیشنهاد را روز پنجشنبه تقدیم کردم زیرا مطابق توضیحی که آقای مغیر دادند وضع این عوارض بیک میزان واحدی نبود

اگر میزان واحد بیک من باشد و یکی از عوارض مثلاً با اعتبار وزن آن چیزی که بوزن می آید در مملکت عبور میکند نظر بوزن باشد بنده حرفی نگارم ما باید نظر کنیم بوزن هیچ فرق نمیکند آن چیزی که بوزن می آید طلا باشد یا چیزی دیگر کتان باشد یا ابریشم وقتی که ملاحظه وزن باشد هیچ فرق نمیکند

زیرا همان اندازه‌ای که وزن ابریشم است و در مملکت عبور میکند و را در خراب میکند همان اندازه هم پشمی وقتی عبور کند خراب میکند

بنده ملاحظه کردم اگر باعتبار اسباب تحمل باشد یعنی یک اسبابی باشد که مصلحت در اصل معیشت ماند داشته باشد و وضع عوارض بر او بکنیم اینهم مناطق کار نیست زیرا نه کسی بوزن و نه دولت این مقصود را داشته‌اند که با وضع این عوارض جلوگیری از اسباب تجملی گردد باشد

بنده ملاحظه کردم راجع به متسوجات دیدم متسوجات پشمی را که فقرامی بوشند و بالاتر از آنرا متسوجات پشمی و بالاتر از آنرا اغنایه و چون دیدم نه کسی بوزن و نه دولت ملاحظه مناطق واحدی را کرده‌اند بالتجربه بنده این پیشنهاد را کردم

ما حالا که میخواهیم این قانون را وضع کنیم که تا اندازه‌ای از تجملات و مخارج فوق العاده که در تهران و شهرها هست جلوگیری شود از این جهت این پیشنهاد را تقدیم کردم

حالا اگر آقای مغیر قبول میکنند که هیچ والارای گرفته شود

مغیر - نمیتوانم قبول کنم

رئیس - رای گرفته میشود بقبول توجه

بودن پیشنهاد آقا سید به قوب آفتابنیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (چند نفری برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد

پیشنهاد آقای انسر (شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم از کلیه نقت‌های صادره و وارده بهر نحو که صادره و وارد شود منزهت شاهی گرفته شود

انسر - بنده در نقطه یک مندهشاهی را زیاد میدانم و بلازمه عقیده‌ام اینست که از کلیه نقت‌های وارده و صادره این مالیات گرفته شود خواه با واسطه نقلیه حمل شود خواه با اوله

اینست که پیشنهاد کردم از کلیه نقتها (فرضاً با اوله نقت بیچاره‌ها هم که می آید) یک من هشت شاهی مالیات اخذ شود

مغیر - بنده نمیتوانم قبول کنم

رئیس - رای گرفته میشود بقبول توجه

بودن پیشنهاد آقای انسر آفتابنیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عدمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد

پیشنهاد آقای ضیاء (شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میشود که تبصره اول ماده اول علاوه شود

تبصره - میزان مالیات تریاک که موافق این قانون یکصد من در قران گرفته میشود از عوارض غیر قانونی تریاک کسر خواهد شد

رئیس - برای تریاک یکصد من در قران پیشنهاد شد و آقای مغیر قبول کردند

یک من پنج قران چهار قران می شود بفرمایند

دیگر این بود که بنده پیشنهاد کردم این یکصد من چهار قران که بنا است از تریاک گرفته شود از عوارض غیر قانونی که از تریاک گرفته میشود کسر شود

رئیس - اگر بنا باشد باین پیشنهاد رای گرفته شود

آنوقت تصدیق ضمنی شده است که عوارض غیر قانونی گرفته شود

بعضی از نمایندگان - صحیح است مغیر - همانطور که آقای رئیس فرمودند این پیشنهاد مورد ندارد و فرمایش آقای رئیس صحیح بود ما نمی توانیم تصدیق ضمنی کنیم که وزارت مالمیه حق دارد عوارض غیر قانونی را بگیرد اگر هم ایشان نظریه دارند می توانند در ماده چهارم پیشنهاد بفرمایند

که عوارض غیر قانونی حذف شود

ضیاء - اگر در ماده چهارم تأمین میشود بنده پیشنهاد را مسترد می دارم

در یک مملکتی که این همه واردات سنگین دارد آنوقت تحمل بر صادرات مضرت است

وقتی که ما درست توجه کنیم به تعیلاتی که نسبت به تریاک میشود هر یک صندوق تریاک ایران در سر حدوداً صد و بیست تا صد و بیست و پنج تومان عوارض باو تعلق میگردد

از عوارض غیر قانونی و مالیاتهای قانونی و سایر اقسام مالیات ها این چهار قران را هم که بر تریاک من اضافه کنیم می بینیم که یک صندوق تریاک یکصد و پنجاه تومان یا صد و شصت تومان عوارض گرفته است

قسمت عمده اینها عوارض غیر قانونی است که بر تریاک تحمل میشود

اگر ما میخواهیم زراعت تریاک از ایران برداشته شود باید سعی کنیم یک چیزی بجای او تهیه کنیم و آنوقت این زراعت را که یکباره صادرات بزرگ ما است از پیش ببریم

بنده عوارض غیر قانونی را بر عرض آقایان میرسانم یکی عوارض انبارداری است که تریاک وقتی وارد انبار دولتی میشود باید از قرار یکصد من بکشای در هر روز انبارداری بدهد ولی این مسئله هنوز در تمام ایالات و ولایات اجرا نشده است و عوارض سالانه از این محل هم تقریباً نوزده هزار تومان است

دوم عوارض حمل و نقل آقایان مسبق هستند که دولت بگیرد باید تریاک با پست دولتی حمل و نقل شود و هر یک آنرا فرسخی هفتاد و پنج دینار گرابه می گیرند

رئیس - آقا مختصر تر ملاحظه ماده ۶۳ را بفرمایند

ضیاء - و همچنین عوارض سنگین دیگر این بود که بنده پیشنهاد کردم این یکصد من چهار قران که بنا است از تریاک گرفته شود از عوارض غیر قانونی که از تریاک گرفته میشود کسر شود

رئیس - اگر بنا باشد باین پیشنهاد رای گرفته شود

آنوقت تصدیق ضمنی شده است که عوارض غیر قانونی گرفته شود

بعضی از نمایندگان - صحیح است مغیر - همانطور که آقای رئیس فرمودند این پیشنهاد مورد ندارد و فرمایش آقای رئیس صحیح بود ما نمی توانیم تصدیق ضمنی کنیم که وزارت مالمیه حق دارد عوارض غیر قانونی را بگیرد اگر هم ایشان نظریه دارند می توانند در ماده چهارم پیشنهاد بفرمایند

که عوارض غیر قانونی حذف شود

ضیاء - اگر در ماده چهارم تأمین میشود بنده پیشنهاد را مسترد می دارم

در یک مملکتی که این همه واردات سنگین دارد آنوقت تحمل بر صادرات مضرت است

زاهدی - پیش نهاد بنده معافیت از کل مالیات صادره است از بابت تریاک

رئیس - قرائت می شود (باینطور خوانده شد)

اینجناب پیش نهاد می کنم که از تریاک صادره سوای یکصد من قران این لایحه از هر قسم مالیات معاف باشد

زاهدی - این پیش نهادی که بنده کردم برای این است است که یک عوارضی از مال التجاره های صادره گرفته میشود و از تریاک هم که یکی از بهترین مال التجاره های مملکت ما است می گیرند

بنا بر این بنده پیش نهاد کردم که سوای این مالیات تریاک از هر قسم مالیات صادره معاف باشد

مغیر - بنده تصور می کنم موردش همان ماده چهارم است اینجا پیش نهاد کنند بهتر است اینجا نمی توانم قبول کنم

رئیس - خطاب براهدی مو کول بنده چهارم می کنید؟ یا همین جا رای بگیریم

زاهدی - مو کول می کنم بنده

رئیس - پیش نهاد آقای نظامی (شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم در ماده اول سطر دوم بعد از کلمه مملکتی نوشته شود:

در سرحد الی آخر

نظامی - عرض می کنم گرچه در اینجا فقط صادرات و واردات مقصود بنده را تأمین می کند ولی مار گرفته از ریسمان سیاه و سفید می ترسد

بنده همانطور که آقای شیروانی فرمودند های بی بریرا از سر راهها بردار مالیات است که پیشنهاد کردم کلمه سرحد اضافه شود

رئیس - آقای عدل (اجازه)

عدل - عرض می شود که اینجا آفتابنیکه فرمودند این مالیات غیر از کمرک است کمرکی که در سرحد می گیرند عوارض غیر از این مالیات است که عوض نواقص و باج راه گرفته می شود اینرا نمی شود کمرک را پیش گذاشت

بنده یک پیشنهادی کردم باینکه نظریه آقایان تأمین شود تقدیم کرد بآقای وزیر مالمیه و کمیسیون هم قبول کردند که این مالیات را بکند هم می گیرند

در صورتیکه آنرا قبول کردند دیگر این پیشنهاد مورد ندارد

نظامی - برای اینکه نظریه بنده تأمین شد است پس می گیرم

تبصره پیشنهادی آقای عدل قرائت می شود (شرح آتی قرائت شد)

تبصره اول در ماده اول تبصره ما صادره است که از منی ۴ قران کمتر ارزش دارد و در این ماده ذکر نشده و مشمول قسمت اخیر این ماده میشود بطور استثناء منی دوشاهی و از صادره است که از منی بکفران کمتر ارزش دارد منی یکشاهی مانوژ خواهد شد

مغیر - اینرا قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد دیگر از طرف آقای عدل و مهدوی (شرح ذیل قرائت شد)

تبصره دوم در ماده اول محصولات ایرانی که از یک بندر خارج از نقطه دیگری وارد ایران می شود از ادای مالیات های فوق معاف است

عدل محمدولی اسدی - مهدوی

رئیس - آقای عدل (اجازه)

عدل - محتاج توضیح نیست بعضی اوقات هست مال التجاره هایی که خارج می شود مجدداً بر می گردد بایران مثلاً برنج را از راه خارجه از رشت میبرند یا از بجناب دیگر محتاج نیست که یک مالیات جداگانه از آن بگیرند

بنده با آقای وزیر مالمیه هم مذاکره کردم ایشان هم موافق هستند

مغیر - این مسئله مسلم است مال التجاره که از بندری بندر دیگر حمل میشود مشمول این قانون نخواهد بود

رئیس - پیشنهادی است از آقای کارزونی که جدیداً رسیده است قرائت میشود (شرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که تبصره ماده اول اینطور اصلاح شود آنچه یک من سی شاهی قیمت داشته باشد یک من یک شاهی

کارزونی - در تبصره نوشته شده است آنچه یکصد من بکفران قیمت داشته باشد یک من یکشاهی بنده برای اینکه اگر ما این صاحبان مال و مأمورین اختیاراتی واقع شود در قیمت جنس پیشنهاد کردم آنچه که یکصد من سی شاهی ارزش دارد یکصد من یکشاهی بدهد که اگر هم اختلافی واقع شد جنس را تقویم کردند اولاً یکصد من بکفران ارزش داشته باشد و استعفاً یکصد من آقای مغیر قبول بفرمایند

مغیر - در صورتیکه نتایج پیشنهادات دیگری نباید قبول میکنم سی شاهی و یک قران چندمان تفاوتی هم ندارد

رئیس - تبصره که در ماده است حالا تبصره ۳ میشود

پیشنهاد آقای تجدید (باینطور خوانده شد)

پیشنهاد میکنم جمله اشیا بیکه فوقاً ذکر شده حذف شود

تجدیداً اگر باقلامی که صراحتاً نوشته شده است توجه بشود معلوم خواهد شد عایداتی که از این عمل حاصل دولت میشود چه در است

همانطور که آقای مدرس فرمودند از آفتابنی که اسم برده شده نباید ترسید از آفتابنی که اسم برده نشده است نباید ترسید

در کنار و اطراف مملکت چیزهایی حمل میشود که وسائل حیوة ساحل بشینان است اینقدر هم قیمت ندارد که در لایحه اسم برده شده است کافی است همین را صحیحاً جمع آوری کنند باینجه قدرت است آنوقت اگر دودند نام است مجدداً پیش نهاد کنند و بیاورند از مجلس بگذرانند و باین ترتیب قلم انداز یک منی معین کردن جزو حتمت برای من بود و اشیا بیکه دیگر ندارد

وزیر مالمیه - عرض میکنم بطوری که بریروز هم مذاکره شد در اینجا دو نظر بود یکی راجع بواردات و یکی راجع بصادرات

ما یک قسمت از اشیا را در این لایحه نوشته ایم و یک قسمت را ممکن نبوده است بنویسیم در صورتیکه جز واردات هم خیلی چیزها است که در اینجا نوشته نشده و اینها را که آقا می فرمایند مثل اینست که آنچه را ما اسم برده ایم باید بگیریم و بقیه را معاف کنیم در صورتیکه اینها را صلاح نیست

زیرا اشیا بیکه وارد می شود باید مالیات داشته باشد و راجع بصادرات هم که آقای مدرس و سایر آقایان اظهاراتی فرمودند در پیشنهادی هم شده که اینها را باید معاف کنیم تا این آقایان تأمین شد

رئیس (خطاب به آقای تجدید) پیشنهاد شما را می بگیریم؟

تجدید - بلی

رئیس - رای می گیرم پیشنهاد آقای تجدید آفتابنیکه پیشنهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(چند نفر برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد

پیشنهاد آقای عدل و چند نفر دیگر از آقایان که قبول شده تبصره بود که در ماده است تبصره چهارم میشود

وزیر مالمیه - خرید و تبصره بود

عدل - یک تبصره هم قبلاً داده شده بود

وزیر مالمیه - بلی صحیح است

رئیس - رای گرفته میشود بنده اول و اشیا که نوشته شده بود بهتر است کرد

امامی خونی - بفرمایند دوباره قرائت شود

رئیس - یک ربع ساعت طول دارد مملکت خوانده میشود

(شرح ذیل خوانده شد)

تبصره ذیل را در آخر ماده اول پیش نهاد میکنم

مالیاتهای مذکور در فوق فقط يك دفعه در موقع ورود و خروج دریافت دیگر بهیچ عنوانی در بین راهها و شهرها از بارها چیزی دریافت نمیشود (عدل)

پیشنهاد میشود که تبصره ذیل بنده اول علاوه شود

تبصره - میزان مالیات تریاک که موافق این قانون یکصد من در قران گرفته می شود از عوارض غیر قانونی تریاک صادره کسر خواهد شد

(ضیاء)

تبصره اول در ماده اول تبصره از صادره ای که از منی چهار قران کمتر ارزش دارد و در این ماده ذکر نشده و مشمول قسمت اخیر این ماده میشود بطور استثناء منی دوشاهی و از صادره ای که از منی بکفران کمتر ارزش دارد منی یکشاهی مانوژ خواهد شد

(عدل - مهدوی)

تبصره چهارم باین ووساطه نقلیه که موقتاً بایران داخل و یا از ایران خارج می شوند از پرداخت مالیات مقرر در این قانون معاف خواهند بود و فقط در از ابلات یا مهر مخصوص که برای تشخیص آنها داده میشود بکفران از آنها دریافت خواهد شد ولی از بار و مال التجاره ای که بوسیله این قبیل دواب و وساطت نقلیه حمل میشود مالیات معمولی اخذ خواهد گشت

مغیر - در اینجا برای اینکه سوء تفاهم نشود باید اضافه شود گویند و بره که در سرحد گرفته خواهد شد

وزیر مالمیه در آن تبصره بجای (معصولات) خوبست (اشیاء) نوشته شود

رئیس - اینجا کلمه معصولات ایرانی نوشته شده است اگر (اشیاء) نوشته شود (اشیاء ایرانی) باید نوشته شود

آیا مقصود اینست؟

وزیر مالمیه - بلی باید نوشته شود اشیا ایرانی که وارد خارج میشود مغیر - اگر کلمه اشیا ایرانی بجای معصولات ایرانی گذارده شود گمان میکنم مقصود را تأمین کند در حال بهتر اینست نوشته شود (اشیاء) معصولات ایرانی که از یک بندر بندر دیگر صادر و وارد می شود

وزیر مالمیه - بنده عقیده ام اینست معصولات و اشیا که نوشته شده بود بهتر است

رئیس - (خطاب به مغیر) قبول میکنید؟

مغیر - بلی بنده موافقم که معصولات و اشیا نوشته شود

رئیس - رای گرفته میشود بنده اول مغیر - یک اصلاح دیگری هم در تبصره

چهارم باید بشود. در آنجا که مالیات معمولی نوشته شده مالیات مطابق این قانون نوشته شود بهتر است.

رئیس - در کجا باید نوشته شود؟
 مخبر - این بطور می شود (ولی از بار مال - التجار که بوسیله وسائط نقلیه حمل میشود مالیات مطابق این قانون اخذ خواهد گشت)

رئیس - اینهم اصلاح میشود اگر باز اصلاحات دیگری از ره فرمائید

مخبر - خیر

رئیس - رای گرفته میشود بنده اول باضام و اصلاحات بطوریکه فراتر شد آقایانی که موافقت قیام فرمایند

(اكثر نمایندگان قیام کردند)

رئیس - تصویب شد ماده دوم قرائت میشود.

(شرح ذیل خوانده شد)

ماده دوم - بملاوه از کلیه وسائط نقلیه مبلغی بعنوان حق الثبت بجز از ذیل مأخوذ خواهد شد:

از اتومبیل های بارکش و اتومبیل های گرایه و تجارتنی و مسافری سالیانه (دستگاهی) شصت تومان از اتومبیل های شخصی سالیانه (دستگاهی) سی تومان از کاری ها و دولتی های سه اسبه و چهار اسبه سالیانه ۲۴ تومان از درشکه های گرایه برای مسافر سالیانه ۱۸ تومان از از ایهای یک اسبه و دو اسبه و درشکه های شخصی سالیانه پنجاه تومان از دو چرخه آتش (موتور سیکلت) سالیانه ده تومان از دو چرخه باثی و سواری سالیانه راسی یک تومان

تصویر ساز دواب و وسائط نقلیه خارجی که موقتاً داخل خاک ایران میشوند بابت هر یکگاه یا هر قسمت از ماه که در داخله توقف نمایند. خمس حق الثبت تمام سال که در فوق ذکر شد است دریافت خواهد شد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - اینکه بنده در این ماده مخالفم نه از حیث اصل ماده است بلکه در طور تنظیم این ماده مخالفم - نظر ما در این لایحه ایجاد مسائل تسهیلات بوده چنانچه بنده در پیشنهاد خود هم ذکر کرده ام باضامه اینجا که نوشته:

بملاوه از کلیه وسائط نقلیه بلندی بعنوان حق الثبت اخذ خواهد شد اینکامه بملاوه معنی ندارد.

ثانیاً بنده خواستم به آقایانیکه این لایحه را تنظیم کرده اند تذکر بدهم در اینجا که نوشته اند از اتومبیل بارکش و تجارتنی و مسافری سالیانه شصت تومان اخذ خواهند شد آن اتومبیل هایی که برای تجمل است و در شهرها گردش می کنند

الان سالی هشتاد و چهار تومان می دهد.

ما باید از هر جهت رفاه مردم و صلاح مملکت را در موقع وضع قانون ملاحظه کنیم اتومبیل شخصی سکه الان سالی هشتاد و دو تومان می دهد در این قانون آمده اند و سالی سی تومان برایش معین کرده اند - لیکن اتومبیل های بارکش که بتزله وسائط نقلیه است و متصل باید در حرکت باشد و از این سرحد بار بیرون بیآورد و امروز محل احتیاج مملکت است و مملکت ما بیش از هر چیز احتیاج بوسائط نقلیه دارد.

این دولت حتی الامکان سعی دارد که وسائط نقلیه را بقدر امکان توسعه دهد سالی شصت تومان معین کرده اند بنده هیچ نسیفه نمی بینم که برای اتومبیل های بارکش و تجارتنی و مسافرتی که زندگانی واقع مردم از آن اداره میشود سالی شصت تومان قرار بدهند اما از اتومبیل های شخصی سکه بالای جان ما برین است سالی سی تومان بگیرند.

در صورتی که الان سالی هشتاد تومان میدهند و عفت ندارد که از راسی تومان نوشته اند و بنده باین ترتیب مخالفم.

بملاوه در اینجا برای کاری و دلجان های سه اسبه و چهار اسبه برای مسافر سالیانه ۱۸ تومان از از ایهای یک اسبه و دو اسبه و درشکه های شخصی سالیانه پنجاه تومان از دو چرخه آتش (موتور سیکلت) سالیانه ده تومان از دو چرخه باثی و سواری سالیانه راسی یک تومان

تصویر ساز دواب و وسائط نقلیه خارجی که موقتاً داخل خاک ایران میشوند بابت هر یکگاه یا هر قسمت از ماه که در داخله توقف نمایند. خمس حق الثبت تمام سال که در فوق ذکر شد است دریافت خواهد شد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - اینکه بنده در این ماده مخالفم نه از حیث اصل ماده است بلکه در طور تنظیم این ماده مخالفم - نظر ما در این لایحه ایجاد مسائل تسهیلات بوده چنانچه بنده در پیشنهاد خود هم ذکر کرده ام باضامه اینجا که نوشته:

بملاوه از کلیه وسائط نقلیه بلندی بعنوان حق الثبت اخذ خواهد شد اینکامه بملاوه معنی ندارد.

ثانیاً بنده خواستم به آقایانیکه این لایحه را تنظیم کرده اند تذکر بدهم در اینجا که نوشته اند از اتومبیل بارکش و تجارتنی و مسافری سالیانه شصت تومان اخذ خواهند شد آن اتومبیل هایی که برای تجمل است و در شهرها گردش می کنند

آرام را از همه سلب کرده در این صورت داعی ندارد که ده تومان بدهند پیشنهاد کرده ام یا زنده تومان بدهد زیرا این آلات در واقع جز عتیمات است و هر چه بآنها تمجیل کنیم جادارد

در وضع قوانین ما باید همیشه ملاحظه اخلاق را بکنیم بنده خیلی باین مسأله اهمیت میدهم و عقیده منم که در قوانین باید مواظب اخلاق هم بود و هر چه ما بتوانیم باید از چیزهای تجملی جلوگیری کنیم

همچنین دو چرخه هائی که سالی یک تومان معین کرده اند کم است و باید سالی دو تومان برایش معین کرد

مسأله دیگر راجع بدواب و مواشی است که میخواهم نظر آقای مخبر و وزیر مالیه را هم بشنوم بنده هم یک قانون ممیزی ما گذراندم و برای مواشی هم یک مالیاتی معین کردم حالا اگر بنا شود از دواب هم در اینجا مالیات بگیریم خوب نیست

واست است که یک دواب بارکش داریم و یک دواب سواری ولی اگر بنا شود از تمام حیواناتی که در مملکت هست رأس یک تومان بگیرند آفتق بجای اینکه آمده ایم دعافش را یک کنیم چشمش را هم کور کرده ایم

این حیواناتی که هست از قاطر و اسب و الاغ غیر از مالیاتی که در قانون ممیزی برایش معین شده است اگر ما بخواهیم باز مالیات برایش وضع کنیم ملاحظه کنید سر یکجا خواهد زد

از اینجا جهت بنده باین قسمتی که در اینجا نوشته مخالفم و در پیشنهاد هم عرض کرده ام که از دواب سواری راسی یک تومان غیر از مواشی که در قانون ممیزی برای آنها مالیات معین شده گرفته شود

چنانچه عرض کردم ما باید نسبت به دوابی که وسائط نقلیه هستند تسهیلات فراهم کنیم و این رأس یک تومانی هم که بنده عقیده دارم گرفته شود نسبت به آن سواری است و دواب بارکش را مطلقاً بنده عقیده دارم معاف بشاند

یک پیشنهادی هم بمقام ریاست عرض کرده ام در موقعی که مذاکرات کافی میشود خوب است قرائت شود

وزیر فواید عامه - در دوره چهارم و این دوره مکرر در اینجا مذاکره شده که باید باج راهها را برداشت و یک عایداتی بجایش معین کرد و آنرا هم صرف راه سازی و تعمیر طرق و شوارع کرد

ولی حالا که این مقصود حاصل شده بنده می بینم بعضی از آقایان همچو خیال میکنند که در ضمن این لایحه باید مسائل تجملی را هم ضمناً تصفیہ کرد و تکلیفش را معین کرد

مسأله اتومبیل افتنا و آن وسائلی که

باصلاح متولین دارند اینها را هم باید سر صورت داد

در صورتی که اگر ما از لحاظ باج راهها مسأله راه نگاه کنیم باید همین شکلی که نوشته شده در بنیاد چر؟

برای اینکه هر اتومبیل و وسائط نقلیه کبیشتر برآمده میزند بهمان مناسبت بیشتر باید بدهد

اما در قسمتی که راجع بمواشی اظهار فرمودند گمان میکنم اصلاحی شده باشد و نظر آقا در این باب تأمین شده و دیگر نگرانی از این جهت نخواهند داشت و امیدوارم وقتی که دیدند نظر به شان تأمین شده باین لایحه موافقت فرمایند و اگر فرضاً نواقص جزئی هم بنظرشان برسد خوب است بکنارند که این لایحه بگذرد و تمام شود و موقع عمل بیاید البته وقتی که موقع عمل و اجرا آمده اگر نواقصی در ضمن عمل مشهود شد بعد ممکن است اصلاح کنند و به مجلس های دیگر پیشنهاد کنند

چنانچه هر قانونی همینطور است وقتی که موقع عمل در آمد نواقص مشهود میشود و بعداً اصلاح میکنند در اینجا هم همین طور است.

از یک طرف راهها ساخته و تعمیر می شود و از طرف دیگر بوساطه ایاب و ذهاب این کامیونها فوراً خراب میشود

بلی باین مبلغها که نمیشود آنطور که باید راهها را درست کرد

بنده راههای خوب دیدم شما هم ناچار شنیدید باید تصدیق می کنیم که این راهها خوب نیست اما اگر ما بخواهیم واقعه طرق و شوارع را آنطوری سکه لازم است اصلاح کنیم چندین میلیون پول لازم است

غرض اینست که چون این اتومبیل های بارکش و کامیونها برای صدمه می زند ما ملاحظه صدمه و خرجش را کرده ایم و بهمان تناسب قرار گذارده ایم از آنها مالیات گرفته شود

ولی اتومبیل های شخصی که ملاحظه می فرمایند در اینجا کمتر نوشته شده (حالا متملق یا غنی است چرا کمتر می گیرند یا نمی گیرند بنده باین قسمت کار ندارم) ولی چون در خیابانها حرکت می کند و صدمه چندانی هم بر راهها نمی زند از این نقطه نظر مراعات او را نموده ایم

در بیاناتی که آقا اظهار فرمودند قسمت علیحدگی راجع باین بود که باید از وسائط نقلیه کفایتی دارند زیادتر مالیات گرفت بلی اگر مقصود مالیات بر ساختن راهها است باید دید که به از این راهها استفاده میکنند و کدام را صدمه میزند؟

بملاوه خرجی که برای ساختن راهها حاصل میشود باید تناسب از آنها می که

اسباب تولید این خرج هستند گرفت و چون اتومبیل های بارکش و کامیونها بیشتر برای صدمه میزند و بیشتر تولید خرج می کنند و بیشتر از این راهها استفاده میکنند همین مناسبت باید بیشتر از این ها گرفت.

اما در قسمتی که راجع بمواشی اظهار فرمودند گمان میکنم اصلاحی شده باشد و نظر آقا در این باب تأمین شده و دیگر نگرانی از این جهت نخواهند داشت و امیدوارم وقتی که دیدند نظر به شان تأمین شده باین لایحه موافقت فرمایند و اگر فرضاً نواقص جزئی هم بنظرشان برسد خوب است بکنارند که این لایحه بگذرد و تمام شود و موقع عمل بیاید البته وقتی که موقع عمل و اجرا آمده اگر نواقصی در ضمن عمل مشهود شد بعد ممکن است اصلاح کنند و به مجلس های دیگر پیشنهاد کنند

چنانچه هر قانونی همینطور است وقتی که موقع عمل در آمد نواقص مشهود میشود و بعداً اصلاح میکنند در اینجا هم همین طور است.

از یک طرف راهها ساخته و تعمیر می شود و از طرف دیگر بوساطه ایاب و ذهاب این کامیونها فوراً خراب میشود

بلی باین مبلغها که نمیشود آنطور که باید راهها را درست کرد

بنده راههای خوب دیدم شما هم ناچار شنیدید باید تصدیق می کنیم که این راهها خوب نیست اما اگر ما بخواهیم واقعه طرق و شوارع را آنطوری سکه لازم است اصلاح کنیم چندین میلیون پول لازم است

غرض اینست که چون این اتومبیل های بارکش و کامیونها برای صدمه می زند ما ملاحظه صدمه و خرجش را کرده ایم و بهمان تناسب قرار گذارده ایم از آنها مالیات گرفته شود

ولی اتومبیل های شخصی که ملاحظه می فرمایند در اینجا کمتر نوشته شده (حالا متملق یا غنی است چرا کمتر می گیرند یا نمی گیرند بنده باین قسمت کار ندارم) ولی چون در خیابانها حرکت می کند و صدمه چندانی هم بر راهها نمی زند از این نقطه نظر مراعات او را نموده ایم

در بیاناتی که آقا اظهار فرمودند قسمت علیحدگی راجع باین بود که باید از وسائط نقلیه کفایتی دارند زیادتر مالیات گرفت بلی اگر مقصود مالیات بر ساختن راهها است باید دید که به از این راهها استفاده میکنند و کدام را صدمه میزند؟

بملاوه خرجی که برای ساختن راهها حاصل میشود باید تناسب از آنها می که

اسباب تولید این خرج هستند گرفت و چون اتومبیل های بارکش و کامیونها بیشتر برای صدمه میزند و بیشتر تولید خرج می کنند و بیشتر از این راهها استفاده میکنند همین مناسبت باید بیشتر از این ها گرفت.

اما در قسمتی که راجع بمواشی اظهار فرمودند گمان میکنم اصلاحی شده باشد و نظر آقا در این باب تأمین شده و دیگر نگرانی از این جهت نخواهند داشت و امیدوارم وقتی که دیدند نظر به شان تأمین شده باین لایحه موافقت فرمایند و اگر فرضاً نواقص جزئی هم بنظرشان برسد خوب است بکنارند که این لایحه بگذرد و تمام شود و موقع عمل بیاید البته وقتی که موقع عمل و اجرا آمده اگر نواقصی در ضمن عمل مشهود شد بعد ممکن است اصلاح کنند و به مجلس های دیگر پیشنهاد کنند

چنانچه هر قانونی همینطور است وقتی که موقع عمل در آمد نواقص مشهود میشود و بعداً اصلاح میکنند در اینجا هم همین طور است.

از یک طرف راهها ساخته و تعمیر می شود و از طرف دیگر بوساطه ایاب و ذهاب این کامیونها فوراً خراب میشود

بلی باین مبلغها که نمیشود آنطور که باید راهها را درست کرد

بنده راههای خوب دیدم شما هم ناچار شنیدید باید تصدیق می کنیم که این راهها خوب نیست اما اگر ما بخواهیم واقعه طرق و شوارع را آنطوری سکه لازم است اصلاح کنیم چندین میلیون پول لازم است

غرض اینست که چون این اتومبیل های بارکش و کامیونها برای صدمه می زند ما ملاحظه صدمه و خرجش را کرده ایم و بهمان تناسب قرار گذارده ایم از آنها مالیات گرفته شود

ولی اتومبیل های شخصی که ملاحظه می فرمایند در اینجا کمتر نوشته شده (حالا متملق یا غنی است چرا کمتر می گیرند یا نمی گیرند بنده باین قسمت کار ندارم) ولی چون در خیابانها حرکت می کند و صدمه چندانی هم بر راهها نمی زند از این نقطه نظر مراعات او را نموده ایم

در بیاناتی که آقا اظهار فرمودند قسمت علیحدگی راجع باین بود که باید از وسائط نقلیه کفایتی دارند زیادتر مالیات گرفت بلی اگر مقصود مالیات بر ساختن راهها است باید دید که به از این راهها استفاده میکنند و کدام را صدمه میزند؟

بملاوه خرجی که برای ساختن راهها حاصل میشود باید تناسب از آنها می که

آیا این تمجیل آنها را شما صلاح و مقتضی میدانید یا خیر؟ اگر نباید بکنند شما چه طور این حق را از آن ها سلب می کنید.

بملاوه در کجای این لایحه نوشته شده که بلندیها حق ندارند در شهرها بارکش و اتومبیل و مواشی را تمجیل کنند اصلاً این حق را شما ندارید و این از خصائص بلندیهای ولایات است آنها باید تشخیص این معنی را بدهند و یک عایداتی بنابر تشخیص خودشان برای این چیزها درست کنند

الان شما دارید بوجوب اینصورتی که نوشته اید سالی یک میلیون از این اجناس پول میگیرید و در عوض یک مختصری به بلندیها از بابت نواقص میدید. آفتق حال و وضعیت بلندیها چه خواهد شد؟ در هر صورت بنده گمان میکنم برای باج راه و نواقص هم چنین برای ساختمان راهها همان ماده اول کافی است و ماده دوم را باید بکناریم برای بلندیهای ولایات

رئیس - راجع بیک جمله از توضیحات ایشان لازم میدانم عرض کنم که هیچ مقامی حق وضع مالیات و قانون را ندارد مگر مجلس شورای ملی و هیچ بلندی نمی تواند مستقیماً عوارضی وضع کند مگر آنکه بتصویب مجلس رسیده باشد.

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

رئیس - آقای مخبر مخبر - بنده نمی توانم قبول کنم رئیس رای گرفته میشود پیشنهاد آقای کازرونی آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (چند نفری قیام کردند)

رئیس - تصویب نشد پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا و آقای اسدی قرائت می شود (بعضیون ذیل قرائت شد) فقرات ماده دوم بطریق ذیل پیشنهاد میکنم: فقره اول سالیانه ۶۶ تومان فقره دو ۴۶ تومان فقره سه ۳۰-۴۰ تومان فقره چهار ۲۱ تومان فقره ۵-۱۸ تومان فقره ۶-۱۲ تومان فقره ۷-۱۰ تومان

دواب بارکش و سواری بکلی معاف و جزء ۸ حذف شود

محمدولی - محمد ولی اسدی رئیس پیشنهادی از آقای مدرس رسیده که موافق با قسمت اخیر این پیشنهاد است مخبر - این پیشنهاد را بنده قبول میکنم که دواب بکلی معاف باشد و این اضافه را هم که بر پیشنهاد کمیسیون اضافه کرده اند قبول میکنم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - چون نظر بنده هم در این جا جا تأمین شده بنده پیشنهاد خود را مسترد می دارم

آنها خصصت تومان بدهد.

این از روی تناسب نیست متلاکسی که یک اتومبیل در شهر دارد و برای رفع احتیاجات خودش این اتومبیل را به قصد تومان خرید این باید سی و پنج الی شصت تومان در سال بدهد و آنکسی که یک اتومبیل هفت ذری بانه تاد فوه اسب دارد او هم سی یا چهل تومان بدهد این تناسب را بنده از روی عدالت میدانم.

خرج اینها را از روی تناسب و عدالت باید از مردم گرفت در تمام اینها بطور معمول است که در این قبیل مواقع مالیات و عوارض را از روی قوه اسب می گیرند ام از اتومبیل یا سایر موتورها که در وضع مالیات بر مرکب آتشی از روی قوه اسب حساب می کنند و عوارض می بندند.

بنده اتومبیل گرایه ندارم ولی موافقم که از تمام این اتومبیلها حداقل سی تومان قرار بدهند و حداکثر را پنجاه تومان و از روی قوه اسب هم بگیرند و از اینرو بنده حساب کردم که نه تنها ما خودی دولت کسر نخواهد شد بلکه زیادتر هم خواهد شد زیرا اگر از روی قوه اسب حساب کنیم اتومبیل های شخصی و اتومبیل های فرد زیاد تر هم می دهند کامیونها هم که کمتر میدهند با تصویب پیشنهاد بنده آنها هم زیادتر خواهند داد.

در هر حال بنده حد اقل را سی تومان وحد اکثر را پنجاه تومان صلاح میدانم و پیشنهاد هم تقدیم کرده ام حالا اگر هیئت دولت یا مخبر قبول می کنند اگر قیامتش را کم می دانند حداکثرش را بمانی بالا تری بکنند ولی حداقل همین سی تومان کافی است دیگر بسته بنظر آقایان است.

مخبر - بنده نماینده محترم را مراجعه می دهم بقانونی که در هفتم دلو ۱۳۰۳ از مجلس گذشته نظر مجلس این بود که وسائط نقلیه را باید در مملکت زیاد کرد و اتومبیل های کوچک چون برای سواریست و چندان لازم نیست از اینجا جهت در کمیسیون بین اتومبیلها فرق گذاشته نشده.

زیرا اتومبیل های بارکش راست است که بیشتر صدمه دارد ولی از لحاظ اینکه وسائط نقلیه است وسائط نقلیه را باید در مملکت زیاد کرد از این جهت کمیسیون تفاوتی قائل نشد بلی اگر دوزی اتومبیل های بارکش و کامیونها هم در مملکت زیاد شد البته این نظر مراعات خواهد شد در موقع وضع مالیات تفاوتی بین آنها و اتومبیل های شخصی منظور خواهد شد.

ولی هر روز برای تشویق و برای اینکه وسائط نقلیه زیادتر شود تفاوتی بین اتومبیل های بزرگ بارکش و کامیون پا

پس این چه فرقی کرد ؟ حالا چه مسافرت کند و چه مسافرت نکند باید این شصت و شش تومان را بدهد
اگر نظر آقایان اینست که وسایل نقلیه زیاد شود نباید تعویل کرد و باید تمام را یک چشم نگاه کنند چه اتومبیل شخصی وجه فقیر شخصی و گریه هر دو باید زیاد شود
از آنطرف اگر نقطه نظر اینست که راهها ساخته شود که شما آن مالیات مهم سنگین را بتمام واردات و صادرات سرحدی گذارند ایند و یک عایدات زیادی از آنجا دارند بگر این علاوه کردن از برای چه بوده و اینست دولت را که مستثنی کردیم برای اینست که این دواب مال یک شخص بی چاره و فقیر است
مال یک فقیر است که بی چاره تمام سرمایه اش منحصر بهمین است و از این راه زندگی خودش را تأمین میکند
بدیهی است این باید مستثنی باشد ولی در قسمتهای دیگرش بقرینه بنده باید همان ترتیبی باشد که در کمیسیون تنظیم شده و چون ماده (۶۳) نظامنامه جلوی بنده را گرفته است پیش از این عرش نمیکند
مخبر نماینده محترم فرمایش فرمودند که پیشنهاد میکنند زیاد شود و مخیر هم قبول میکنند
عرض کردم که بنده مخیر کمیسیون هستم در کمیسیون مذاکره شد که چون از دواب بموجب قانون میزبانی مالیات ارضی گرفته میشود دیگر دومرتبه بعنوان وسایل نقلیه نباید از آنها چیزی گرفت
از اینجهت با نظر دولت قرار شد که حیوانات معاف شوند و اتومبیل و کالسکه و درشکه را اضافه کنند و بالاخره تصمیم گرفته شد که وقتی پیشنهاد میکنند مخیر قبول کنند از اینجهت بنده هم قبول کردم
اما اینکه گفته شد که اگر این لایحه نیکگذشت این مالیات را از آنها نیکگرفتند اینطور نیست زیرا این قانونی است که خود ما در سیزدهم میزان (۱۳۰۳) در همین مجلس گذرانده ایم که نوشته است از کلیه وسایل نقلیه در شهرها بطریق ذیل مالیات اخذ می شود از کالسکه و درشکه گریه با چرخ فلان ماهیانه یازده تومان سالیانه هجده تومان از درشکه از برای ماهیانه سی و پنج تومان
اتومبیل از برای ماهی هفت تومان
سالی هشتاد و چهار تومان می شود و در اینجا آمده و منتزل داده اند بی تومان و اتومبیل گریه و تجارتی سالیانه دستکاهی شصت و معین کرده اند
از اتومبیل های شخصی سالیانه دستکاهی

منتهی حالا در اینجا شصت و شش تومان شده است و بنده تقصیری ندارم مربوط بکمیسیونست
رئیس - رأی گرفته میشود بقبول توجه بودن پیشنهاد آقای تجدید آقایان موافقت قیام فرمایند
(عده قبلی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد
تیسریمای از طرف آقای مهدوی پیش نهاد شده است
(شرح ذیل خوانده شد)
بنده پیشنهاد می کنم تیسریم ذیل ماده دوم اضافه شود
تیسریم - وسایل نقلیه مخصوص سلطنت و دولت و مأمورین سیاسی دول خارجه و وسایل نقلیه مسگریه و خدمات صحیه و بلدی از مالیات مذکور فوق معاف است
محمد ولی اسدی - مهدوی مخیر چون قانون نوافل قدیم را باید نسخ کرد و این معافها هم در آنجا بود از اینجهت از طرف کمیسیون قبول میکنند
رئیس - پیشنهاد آقای فرزند (باینضمون خوانده شد)
بنده پیشنهاد میکنم که در تیسریم ماده دوم خمس حق الثبت (ربع حق الثبت) اصلاح شود
امامی - این تیسریم مورد ندارد
رئیس - چرا مورد ندارد (خطاب با آقای فرزند) بفرمائید
فرزند - چون باز کش و کامیونی که از خارجه داخل مملکت ما می شوند با اتومبیل چپا و دارندگان اتومبیل داخله رقابت میکنند از اینجهت بنده پیشنهاد کردم خمس را تبدیل بر ربع کنند
مخیر بنظر مجلس واگذار میکنم
رئیس - رأی میگیریم بقبول توجه بودن این پیشنهاد آقایان که تصویب می کنند قیام فرمائید
(عده کمی برخاستند)
رئیس - قابل توجه نشد تیسریم که جزو خبر بوده کله اولش که (دواب) باشد حذف میشود
رئیس - ماده دو قرائت میشود و بعد رای میگیریم
(شرح ذیل قرائت شد)
ماده دوم - علاوه از کلیه وسایل نقلیه مبلغی بعنوان حق الثبت بجزان ذیل مأخوذ خواهد شد
از اتومبیل های بار کش و اتومبیل های گریه و تجارتی سالیانه دستکاهی شصت و شش تومان
از اتومبیل های شخصی سالیانه دستکاهی

سی و شش تومان
از گریه ها و دواب چاهها سه اسبه و چهار اسبه سالیانه سی تومان
از درشکه ها و کالسکه های گریه برای مسافر سالیانه بیست و یک تومان
از ارباب های یک اسبه و دو اسبه و درشکه ها و کالسکه های شخصی سالیانه ۱۸ تومان
از دو چرخه آتشی (موتو سیکلت) سالیانه ۱۲ تومان
از دو چرخه یائی (واسپت) سالیانه یک تومان
کلیه دواب و مواش معاف
تیسریم - از وسایل نقلیه خارجی که موقتاً داخل خاک ایران میشوند بابت هر یک ماه بآخر قسمت از نامه که در داخله توقیف نمایند خمس حق الثبت تمام سال که در فوق ذکر شده است دریافت خواهد شد
تیسریم - ۲ - وسایل نقلیه مخصوص سلطنت و دولت و مأمورین سیاسی دول خارجه و وسایل نقلیه مسگریه و خدمات صحیه و بلدی از مالیات مذکور فوق معاف است
رئیس - آقای مخیر فرمایشی دارید بفرمائید
مخیر - اول ماده (ب) علاوه زیاد است ماده مستقلی است (کلیه) اش هم زیادی است
از وسایل نقلیه مبلغی بعنوان حق الثبت بجزان ذیل مأخوذ خواهد شد
رئیس - کلمه کالسکه هم در رجائی که درشکه بود اضافه شد - رأی میگیریم بماده دوم تیسریم آقایان بیکه تصویب میکنند قیام فرمائید
(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد - چند دقیقه تنفس داده میشود
(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و بقاصه یک ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید)
وزیرت و تلگراف - بعد از لایحه هواپیمائی و نکرس که چندی قبل تقدیم مجلس شورای ملی شده است کمیائی هواپیمائی بین المللی فرانسوی این پیشنهاد را داده است
برای اطلاع خاطر نمایندگان محترم تقدیم مجلس شورای ملی میشود
رئیس - در موقع مقتضی اطلاع آقایان نمایندگان خواهد رسید
معاون وزارت امور خارجه - یک لایحه ایست که راجع است بمستخدمین جزه سفارتخانه ها و قونسل خانه های ایران در خارجه که بقید فوریت تقدیم مجلس شورای ملی میکنند
یک لایحه دیگر هم راجع به ورز مفتاح الدوله است که اخیراً فوت شده است

آتراهم بقید فوریت تقدیم میکنم
رئیس - آقایان کازرونی (اجازه)
کازرونی - بنده خواستم سوال کنم مقصود از این فوریت کدام فوریت است ؟ مقصود آنست که برود بکمیسیون شوری شود یا اینکه فی المجلس مطرح شود اگر مقصود فوریت اول است که باز هم بتأخیر خواهد افتاد و اگر مقصود فوریت قسم دوم است که فی المجلس مطرح شود خوبست اظهار فرمائید
رئیس الوزراء - مقصود از فوریت فوریت قسم اول است یعنی یک شوری است
وزیر فوائد عامه - برای موسسه دفع آفات حیوانی وزارت فوائد عامه محتاج بساستخدام یک نفر مستخدم از خارجه شده است لایحه اش را تقدیم میکنم
رئیس - بکمیسیون مربوطه ارجاع می شود - لایحه از طرف وزارت امور خارجه تقدیم شد آن یکی که راجع بمرحوم میرزا مسعود خاست یک شور بیشتر ندارد و محتاج فوریت نیست اما راجع بلایحه اولی که تقاضای فوریت میفرمایند باید برای گرفته شود
ماده واحده قرائت میشود بعد برای فوریتش می گیریم
(بضمون ذیل خوانده شد)
ماده واحده - منشی ها و مترجمین و مستخدمین جزء (بیشخدمت و سرایدار و فراش خدمه) سفارتخانه ها و قونسلگری ها و نمایندگان کی های دولت علیه در خارجه بماده دوم تیسریم آقایان بیکه تصویب میکنند استخدام اتباع خارجه نمی باشند
رئیس آقای یاسائی (اجازه)
یاسائی - این طور بنظر بنده رسیده که در لایحه نوشته شده (منشی های معلی بنده از نقطه نظر هائی ما منشی های معلی سفارتخانه ها مخالفه زیرا منعی ندارد که در هر مملکتی ما برای سفارتخانه ها منشی معلی معین کنیم
رئیس الوزراء - اولاً خاطر محترم آقایان را متوجه میکنم حالاً منته راجع به فوریت است و بنده تنها میکنم آقایان بدو بقوریتش رأی بدهند که برود بکمیسیون بعد در کمیسیون مطالعه میشود البته آنها یا باید از قانون استخدام مستثنی باشند یا مشمول آن باشند و البته هر کدام را چه آقایان صلاح میدانند مختارند در رأی میدهند
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
رئیس - رأی گرفته میشود بقوریت این لایحه یعنی یک شور با راجع بکمیسیون

آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمائید
(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد بکمیسیون مربوطه ارجاع میشود ماده سوم قرائت میشود
(بترتیب ذیل خوانده شد)
ماده سوم - عایدات حاصله از عوارض مقرر فوق که از طرف وزارت مالیه وصول میشود بطریق ذیل تقسیم و مصرف خواهد شد
الف - وزارت مالیه معادل بلدی که از بابت مالیاتهای بلدی شده در بودجه منظور بوده است در جزء عایدات کل مملکت منظور نموده و معادل مبلغ خالص عایدات بلدی و معارفی و غیره را که بموجب این قانون حذف میشود بموسسات بلدی و معارفی و غیره خواهد پرداخت
ب - علاوه معادل صدی پنجاه مخارج کثرتی وصول عایدات نوافل بموسسات بلدی داده خواهد شد
اضافه بر این از سال ۱۳۰۶ مبلغ ۷۵۰۰۰ تومان برای ساختمان خیابانهای مهم شهرها بموسسات بلدی تحت نظارت وزارت مالیه تخصیص داده می شود
تیسریم - ماخذ وجوه پرداختی بلدی ها حد متوسط عایدات خالص سنه ۱۳۰۴ از محل مالیاتهای منسوخه خواهد بود و پرداخت وجوه مزبوره تا زمانی ادامه خواهد داشت که قانونی برای مالیاتهای بلدی از طرف مجلس شورای ملی وضع نشده است در صورتی که عایدات حاصله بعد از سنه (۱۳۰۵) بیشتر از میزان عایداتی باشد که در سنه (۱۳۰۵) بوده پرداختی بلدی ها نیز همان تناسب علاوه خواهد شد
ب - وزارت مالیه اجازه دارد برای وصول و اداره کردن این مالیات معادل صدی هفت و نیم عایدات خرج نماید
ج - پس از وضع وجوه مقرر در بند (الف) و (ب) بقیه عواید خالص این مالیات کلیه بمصرف ساختمان و نگاهداری راه ها اختصاص خواهد یافت
تیسریم - تا زمانی که ساختمان راههای عمده هر ناحیه از توابع مملکتی بانجام نرسیده لااقل نصف عواید خالص مالیاتی که به موجب این قانون از آنجا اخذ میشود بمطابق مصرف ساختمان و نگاهداری طرق و شوارع همان ناحیه خواهد رسید
رئیس قسمت (ب) این لایحه بطوری که عرض رسید صدی هفت و نیم است و پیشنهادی دولت است ولی کمیسیون بودجه تغییری داده است و صدی پنج از عایدات را تخصیص داده است برای مخارج بنابر این در این قسمت زیوریت کمیسیون بسورجه مطرح است
وزیر مالیه - در ماده سوم در آن قسمت الف که نوشته شده است وزارت

مالیه معادل بلدی که از بابت مالیاتهای ملئی شده در بودجه منظور بوده است در جزء عایدات کل مملکتی منظور نموده
این قسمت بنظر بنده حذف میشود وزارت مالیه معادل مبلغ خالص عایدات بلدی و معارفی و غیره را الی آخر مخیر - این لایحه دولت چون یک قسمتش مربوط بودجه بود بنا بر این کمیسیون همچو صلاح دانست که عین پیشنهاد دولت را بنویسند تا نظر کمیسیون بودجه نسبت بآنها معلوم شود و حالا که دولت صد پنجاه راجع بمخارج قبول میکنند البته مطابق نظر کمیسیون بودجه هم صد پنج خواهد بود
رئیس آقای یاسائی (اجازه)
یاسائی - بنده با اساس این لایحه کاملاً موافق هستم و با موادی هم که تصویب شد نهایت موافقت را داشتم لیکن با طرز این لایحه مخالفم
زیرا میترسم در این لایحه استقلال بلدی ها از بین برود و ما انتظار داریم که در آتی یعنی در دوره ششم مجلس موفق شود بلدی ها را سر و صورتی بدهد زیرا متأسفانه در دوره پنجم ما موفق نشدیم یک قدمی دائر باصلاح بلدی ها مخصوصاً بلدی های ولایات برداریم و این ماده بطوریکه تنظیم شده است استقلال بلدی ها را از بین خواهد برد زیرا نوشته شده است
معادل مبلغ خالص عایداتی که در سنه ۱۳۰۴ بلدی ها واصل می شود از معر این عایدات داده می شود در صورتی که ما را کرا این اعتراض را داشتیم که مخارج وصول عایدات نوافل زیاد است و ادارات مالیه استفاده میکنند از مخارج نوافل مثلاً مفتش می گذارند
دم دروازه ها باسم نوافل و بخرج نوافل ولی تعدید و دخانیات هم از آن مفتش استفاده می کنند و حقوق او را از عایدات نوافل میدهند و اگر یک کم و کسر هائی در بعضی نقاط پیدا می شد آنرا هم بپای هوا بد نوافل حساب می کردند
مثلاً شنبه در همدان یک نفری در تحت معاکه در آمده است و مدتی تحت معاکه و ملق بوده است بعد تیر نه شده است ولی آن مدتی که تحت معاکه بوده است حقوقش را از محل نوافل همدان حواله کرده اند و یک حسابهای این بابت محسوب میشود
در گذشته که بطور بود چرا؟ برای اینکه بلدی ها در تحت نظارت

وزارت داخله بود ولی چون وزارت مالیه در عایدات دخالت میکرد این ترتیب واقع میشد
البته نظارت رئیس کل مالیه بموجب کنترلتش سر جای خودش هست و البته در کلیه عواید مملکتی یک نظارت هائی دارند ولی بالغوص بیانیم بگوتیم هفتاد و پنج هزار تومان که برای ساختمان خیابانها بدها خواهند داد این در تحت نظارت وزارت مالیه بمصرف برسد در حکم این است که بگوتیم بلدی در تحت نظارت وزارت مالیه است
بنده اصولاً این را خوب نمی دانم در صورتی که ممکن است ما بلدی ها را بحال استقلال نگاه داریم تا در مجالس آتی بتوانند یک اصلاحاتی نسبت ببلدی ها بکنند و آن مخارجی را هم که در مدت گذشته از بابت وصول عایدات نوافل میگیرند
بنده یک موقمی حسابش را بدست آوردیم دیدم که به تفاوت از صدی چهل و صدی پنجاه تا صدی شصت خرج وصول مالیات نوافل است و البته یک همچو مالیاتی هیچ صرفه نداشت و می بایستی زودتر از این هم ملغا شود و حالا که میخواهیم عایدات خالص آنرا به بلدی ها بدهیم کفایت نمیکند
مثلاً در شاهرود گفتند حساب کرده اند تقریباً سالیانه شش هزار تومان عایدات نوافل است آنوقت خرجش را متها کرده اند سه هزار و ششصد و خورده بوده است و قریب دو هزار تومان داده اند به بلدی و آنهم یک عده مأمورین مالیه در بلدی گذاشته است بعنوان مجاسبات و با یک ترتیبات خاصی و بالاخره روی هم رفته چیزی عاید بلدی ها نمی شود
حالا که در این لایحه آمده اند و یک از نوافل کرده اند و گفته اند نصف عوائد نوافل را بدهند به بلدی ها یعنی صدی پنجاه آنرا که فرضاً در دامغان که سبب تومان یا چهار صد تومان که حد متوسط عایدات نوافل آنجا است
بنده اطلاع دارم که صد تومان بیشتر به بلدی نمیدهند و در تحت تومان آن خرج می شود و حال آنکه عایدات نوافل دامغان بیش از این است و اگر درست جمع آوری بکنند خیلی بیش از این می شود ولی آنچه که جمع آوری میکرده اند سبب تومان بوده است حالا چه ضرر دارد که همان سبب تومان را بدهند به بلدی ها
در هر صورت عقیده ام این است که همان عواید غیر خالص را بدهند به بلدی ها و بلدی ها را از حالت استقلال نیندازیم بلکه بتوانند در آتی سر و صورتی پیدا کنند و یک هواد زیادی پیدا کنند

بنده با اینکه طرفدار زیاد عایدات هستم ولی در عین حال چه ضرر دارد که یک کمک بیشتری به بلدی های ولایات بکنیم که در آتی مخارج به وضع یک مالیات جدیدی برای بلدی ها بنا کنیم و این عایداتی که از دو ماده مصوب کنونی حاصل میشود
بنده عقیده ام این که این را بیک تناسبی قسمت کنند یک قسمت اختصاص بدهیم به بلدی های ولایات ولی بتناسب آن عایدی که دارند و یک قسمت را هم اختصاص بدهیم به تعمیر طرق و شوسه کردن راهها و این طریق سلامت و ساده تر است و تصور میکنم بحال بلدی ها هم النفع باشد و آن کلمه نظارت مالیه را هم از اطراف بلدی به بزمین و ماده را خیلی ساده بنویسیم و نتیجه مطلوب هم برای بلدی ها حاصل می شود و هیچ اشکالی هم ندارد
وزیر فوائد عامه - بنده تصور می کنم در این لایحه هیچ نظر سوء که نسبت به بلدی ها تصور میشود نباشد و ابتدا مقصود این نیست که استقلال بلدی ها را از بین ببرد ولی سامیخواهیم معنی این کلمه را به بینیم چیست
تا بحال در جاهائی که بلدی بوده است یک کارهایی کرده اند و یک عایداتی هم از این نوافل داشته اند و استقلال داشته اند یا نداشته اند در حال آنچه که مسلم است این است که عایدات را مالیه وصول میکرده منتهی مخارج زیادی برای وصول عایدات نوافل مصرف میشده و در این اواخر آمدند برای آنچه یک اقداماتی کردند و قلمها هم بنا شده است برای وصول این عایدات صدی پنج خرج شود
اما این چیزهایی که در اینجا ذکر شده است بحال مالیه مضر است یا نافع
بنده نمیدانم در هر صورت بلدی ها مال همین مملکتی است و اگر مالیه یا ادارات دولت تصور میفرمایند گاهی یک مخارج زیادی میکنند و توسعه میدهند اما ایشان را بنده تصور میکنم در بلدی ها این خطر بیشتر است و یک خرج اداری فوق العاده در محل ها میشود زیرا اداره بلدی در یک شهر ممکن است مخارجش خیلی کمتر شود و در یک شهر زیاد تر
ولی معذراً باید مراعات اینکه پول کمتر خرج شود و یک مقدار زیادی از آن پولی که از مردم گرفته شده است صرف حقوق یکمده اشخاص نشود
بنا بر این قرار شده است عایداتی

که تا بحال داشته اند بآنها داده شود به اضافه هفتاد و پنجاه هزار تومان هم بآنها داده شود که صرف ساختن خیابانهای شهر بشود آری این کار بدی است پس بنده گمان میکنم این موضوع نباشد بخواهند که استقلال بلدیها را از بین ببرند.

حالا اگر خدای نکرده يك بلديه پيدا شد و گفت هوش اينكه خيابان شهر را درست كنم و شهر را تعمير كنم من بخواهم استقلال داشته باشم و تمام عايدات را صرف حقوق اشخاص بكنم اگر يك همچو بلديه پيدا شد بنده تصور می كنم كه بايد سعی كرد كه این اندازه ها استقلال نداشته باشد پس درسته نظارت شده تصور میکنم كه آقا شاکار نکند آقا بان دیگر هم موافقت فرمایند كه بلديه كارهای بلدی خودش را بكنند بهتر است

ولی بیاز هم باید بهمیم ؟ خوب از چه محل بهمیم؟

اگر آقایان در نظر دارند كه يك ترتیب دیگری هم عايدات بلديه زیاد تر شود و هم راهها ساخته شود كه گمان میکنم هیچ جای تردید نباشد كه دولت هم كاملاً با آن نظریه موافق است

اما اگر راه دیگری نیست پس بگذارند عايداتى كه از این راه پيدا ميشود بفرح راه ما برسد والبته پس از این كه این راهها درست شد آنوقت دیگر برای ما راج نگاه داری آنها کمتر به پول احتیاج داریم والبته در آن موقع ممكن است مجدداً پیشنهاد شود كه يك عواید بیشتری بلديهها داده شود ولی اصلاح در این است كه با همین ترتیب موافقت فرمایند

شده تصور میکنم كه آقا شاکار نکند آقا بان دیگر هم موافقت فرمایند كه بلديه كارهای بلدی خودش را بكنند بهتر است

اما راجع باصل عايدات و تقسیمى كه شده است این جا عايدات زیادى نسبت بلديه شده است برای اینکه معادل عايدات خالصى كه داشته اند بلديهها داده میشود علاوه آن مخارج زیادى هم كه ميشود نصف او عايداتا بلديهها داده میشود

پيشنهادهایى كه از این راه پيدا ميشود بفرح راه ما برسد والبته پس از این كه این راهها درست شد آنوقت دیگر برای ما راج نگاه داری آنها کمتر به پول احتیاج داریم والبته در آن موقع ممكن است مجدداً پیشنهاد شود كه يك عواید بیشتری بلديهها داده شود ولی اصلاح در این است كه با همین ترتیب موافقت فرمایند

شده تصور میکنم كه آقا شاکار نکند آقا بان دیگر هم موافقت فرمایند كه بلديه كارهای بلدی خودش را بكنند بهتر است

اما راجع باصل عايدات و تقسیمى كه شده است این جا عايدات زیادى نسبت بلديه شده است برای اینکه معادل عايدات خالصى كه داشته اند بلديهها داده میشود علاوه آن مخارج زیادى هم كه ميشود نصف او عايداتا بلديهها داده میشود

پيشنهادهایى كه از این راه پيدا ميشود بفرح راه ما برسد والبته پس از این كه این راهها درست شد آنوقت دیگر برای ما راج نگاه داری آنها کمتر به پول احتیاج داریم والبته در آن موقع ممكن است مجدداً پیشنهاد شود كه يك عواید بیشتری بلديهها داده شود ولی اصلاح در این است كه با همین ترتیب موافقت فرمایند

شده تصور میکنم كه آقا شاکار نکند آقا بان دیگر هم موافقت فرمایند كه بلديه كارهای بلدی خودش را بكنند بهتر است

اما راجع باصل عايدات و تقسیمى كه شده است این جا عايدات زیادى نسبت بلديه شده است برای اینکه معادل عايدات خالصى كه داشته اند بلديهها داده میشود علاوه آن مخارج زیادى هم كه ميشود نصف او عايداتا بلديهها داده میشود

بلاوه هفتاد و پنجاه هزار تومان هم از برای ساختمان خيابانها بهشان داده میشود از این گذشته هر چه هم عايدات زیاد تر شد بوجوب تبصره در كآخر ملاحظه میفرمائید بآن تناسب يك چیزی به بلديه داده میشود در این صورت بنده تصور می كنم از هر حیث رعایت حال بلديه شده یعنی بلديه ها از امروز بیشتر عايدات خواهند داشت و این قسمت مسلم است

حالا ببینیم بقیه این وجوه بوجه مصرفی میخواهد برسد بصرف راه ها والبته آقایان نباید تصور کنند كه بنده نظری راجع بطرف و شوارع دارم ولی بنده یقین دارم كه تمام آقایان متوجه باین نکته هستند كه امروز این مملكت در او این درجه باید اهمیت بمسئله طرق شوارع بدهد زیرا اگر امروزه راه داشته باشیم وضعیت زندگی گان اقتصادى و تجارى ما خیلی بهتر از این خواهد شد (نمایندگان - صحیح است)

بلاوه هفتاد و پنجاه هزار تومان هم از برای ساختمان خيابانها بهشان داده میشود از این گذشته هر چه هم عايدات زیاد تر شد بوجوب تبصره در كآخر ملاحظه میفرمائید بآن تناسب يك چیزی به بلديه داده میشود در این صورت بنده تصور می كنم از هر حیث رعایت حال بلديه شده یعنی بلديه ها از امروز بیشتر عايدات خواهند داشت و این قسمت مسلم است

حالا ببینیم بقیه این وجوه بوجه مصرفی میخواهد برسد بصرف راه ها والبته آقایان نباید تصور کنند كه بنده نظری راجع بطرف و شوارع دارم ولی بنده یقین دارم كه تمام آقایان متوجه باین نکته هستند كه امروز این مملكت در او این درجه باید اهمیت بمسئله طرق شوارع بدهد زیرا اگر امروزه راه داشته باشیم وضعیت زندگی گان اقتصادى و تجارى ما خیلی بهتر از این خواهد شد (نمایندگان - صحیح است)

بلاوه هفتاد و پنجاه هزار تومان هم از برای ساختمان خيابانها بهشان داده میشود از این گذشته هر چه هم عايدات زیاد تر شد بوجوب تبصره در كآخر ملاحظه میفرمائید بآن تناسب يك چیزی به بلديه داده میشود در این صورت بنده تصور می كنم از هر حیث رعایت حال بلديه شده یعنی بلديه ها از امروز بیشتر عايدات خواهند داشت و این قسمت مسلم است

حالا ببینیم بقیه این وجوه بوجه مصرفی میخواهد برسد بصرف راه ها والبته آقایان نباید تصور کنند كه بنده نظری راجع بطرف و شوارع دارم ولی بنده یقین دارم كه تمام آقایان متوجه باین نکته هستند كه امروز این مملكت در او این درجه باید اهمیت بمسئله طرق شوارع بدهد زیرا اگر امروزه راه داشته باشیم وضعیت زندگی گان اقتصادى و تجارى ما خیلی بهتر از این خواهد شد (نمایندگان - صحیح است)

بلاوه هفتاد و پنجاه هزار تومان هم از برای ساختمان خيابانها بهشان داده میشود از این گذشته هر چه هم عايدات زیاد تر شد بوجوب تبصره در كآخر ملاحظه میفرمائید بآن تناسب يك چیزی به بلديه داده میشود در این صورت بنده تصور می كنم از هر حیث رعایت حال بلديه شده یعنی بلديه ها از امروز بیشتر عايدات خواهند داشت و این قسمت مسلم است

حالا ببینیم بقیه این وجوه بوجه مصرفی میخواهد برسد بصرف راه ها والبته آقایان نباید تصور کنند كه بنده نظری راجع بطرف و شوارع دارم ولی بنده یقین دارم كه تمام آقایان متوجه باین نکته هستند كه امروز این مملكت در او این درجه باید اهمیت بمسئله طرق شوارع بدهد زیرا اگر امروزه راه داشته باشیم وضعیت زندگی گان اقتصادى و تجارى ما خیلی بهتر از این خواهد شد (نمایندگان - صحیح است)

و ذکر نشده است

رئیس - يك قسمت از این صورت مجلس كه پهرش آقایان رسيد بطوری نوشته شده است كه ممكن است سوء تفاهمى ایجاد كند و باید اصلاح شود آن قسمت اینست كه نوشته آقای وزیر است و تلگراف لایحه راجع به كیانی هواپیمائى فرانسوى را كه نقاضا كرده است پست هواپیمائى ایران باو واگذار شود. تقدیم مجلس نموده و از این عبارت اینطور فهمیده میشود كه مثل لوائج رسمى تقدیم مجلس شده در صورتى كه خودشان صریحاً اظهار کرده كه برای اطلاع مجلس تقدیم میشود

بعضى از نمایندگان - صحیح است رئیس - نسبت بصورت مجلس ایرادى نیست ؟

(گفتند خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

آقای حاج حسن آقا ملک (اجازه)

حاج حسن آقا ملک - بنده میخواستم عرض كنم كه كسیبسون عرایض بلكه رایبرى تقدیم مجلس شورای ملی کرده و آقایان البته توجه فرموده اند كه در این مدت متجاوز از چندین هزار عریضه بکسیبسون عرایض رسیده و بوزارت شانها ارجاهائى شده و بطوری كه سابقاً هم بنده اینجا تذکر دادم اغلب جوابها رضایت بخش نبوده و بالاخره يك رایبرى تقدیم شده است استعدا میکنم اگر آقایان موافقت فرمایند امروز والا در موقع دیگر جز دستور قرار بدهند

رئیس - بموقع دیگر موکول می فرمائید؟

عده ای از نمایندگان - بلئ

رئیس - ماده سوم لایحه القاه باجراه ها كه بکسیبسون قوانین مالى ارجاع شده بود با پیشنهادات كه برای اطلاع كسیبسون فرستاده شده بود ماده جدیدى تنظیم شده كه رایبرىش بمرحله مجلس میرسد

(شرح آنی قرائت شد)

كسیبسون قوانین مالى ماده سوم را كه از طرف مجلس شورای ملی مراجعه شده بوده مطرح و پیشنهادهاى كه تقدیم شده بود نیز مورد قوت و شور قرار داده با حضور نماینده دولت ماده ذیل تنظیم و برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی میشود

ماده سوم - عايدات حاصله از مالیات های مقرر فوق كه از طرف وزارت مالى وصول میشود بطریق ذیل تقسیم و مصرف خواهد رسید.

الف - وزارت مالى اجازه دارد برای وصول و اداره كردن این مالیات صدی پنج از كل عايدات خرج نماید و هر مبلغ كه در بودجه ۱۳۰۴ وزارت مالى بابت مخارج وصول مالیات های ملئى شده كه در این قانون منظور شده است از اول فروردین ۱۳۰۴ حذف خواهد شد

ب - وزارت مالى معادل مبلغ خالص عايدات سنه ۱۳۰۴ بلدی و موارف و وصییه و غیره را كه بموجب این قانون ملئى میشود بموسسات بلدی و وصییه و موارف و غیره به خواهد پرداخت و نیز معادل صدی پنجاه مخارج كئونی وصول عايدات و نوافل موسسات بلدی تأدیبه خواهد شد و همچنین اضافه بر این از سال ۱۳۰۴ مبلغ هفتاد و پنج هزار تومان برای ساختمان خيابانهاى هم شهرها در تحت نظارت وزارت مالى (تا زمانى كه بلديه قانونى تا پس نشده است) بموسسات بلدی داده و بقیه عايدات عموماً اختصاص بتمیر راههای فعلی دارد و تاسیس راه های جدید خواهد داشت

تبصره ۱ - در صورتى كه عايدات حاصله بعد از سنه ۱۳۰۵ و بیشتر از میزان عايدات سنه ۱۳۰۵ باشد اضافه عايدات بتناسبى كه بین موسسات بلديه و وصییه و موارف و غیره در راهها در سنه ۱۳۰۵ تقسیم شده است بهمان تناسب عايدات اضافی نیز تقسیم خواهد شد

تبصره ۲ - تا زمانى كه ساختمان راههای عده هر ناحیه از نواحى مملكتى با تمام رسیده لاقط نصف عواید خالصى كه از آن فقط برای بوجوب این قانون تعلق میگردد و بصرف ساختمان و نگاهداری طرق و شوارع همان ناحیه خواهد رسید

مغیر - این ماده سوم سابق تفاوتهاى كه پیدا کرده بلكه این است كه راجع به آن هفتاد و پنجاه هزار تومانی كه تحت نظر وزارت مالى بصرف میرسد يك جمله اضافه شد كه مادام كه انجمنهای قانونى بلدی نیست چون بلديه قانونى در هر ناحیه تشكيل شود اداره مستقلی است و تحت نظر وزارت مالى نیست

دیگر اینکه آن پیشنهادهاى كه راجع بمعارف و وصییه امور خیریه کرده بودند اضافه شد

يكی دیگر اینکه صدی پنج كه برای مخارج ادارى وزارت مالى اجازه دارد خرج كند در مقابلش آن موسساتى كه بوده خرجش را از بودجه وزارت مالى باید حذف كنند و علاوه بر این جمله كه عرض كردم اضافه شده فقره الف موخر شده و فقره ب مقدم شده تفاوت دیگری ندارد

رئیس - آقای گلزدونی (اجازه)

گلزدونی - بنده فقط خواستم يك عرضى بكنم و يك جوابی برای توضیح مطلب شنیده باشم عرض بنده اینست كه این پولی كه داده میشود و از طرف عامه مردم است نباید بشود باین تمام مردم برسد نه تنها بموسسات بلدی یعنی موسسات موجوده بلديههاى شهرها چه بسا شهرها كه امروزه بلديه ندارد و شهرهاى كه

بلديه ندارند از این تقسیم باید محروم باشند یا اینکه به آنها هم از این وجوه داده میشود؟

بالاخره میخواهم عرض كنم این پول را تنها شهرها نمى دهند بلكه شهرها و قراء و تمام اطراف مملكت مى دهند ما بایستى دانسته يك كارى نكنیم كه مردم را از حق حسابى خودشان محروم کرده باشیم

البته بایستى فایده این پول بتمام افراد مردم برسد و همچنین راجع بلديهها يك شهری كه بلديه ندارد باید از تقسیم و تناسب به آنها هم حق داده شود آنها هم تنظیم و بخواهند روشنائى لازم دارند آنها هم آب و سایر لوازم زندگانی لازم دارند پول آنها بدهند و دیگران استفاده اش را بكنند

اگر مطالبی را كه بنده عرض میکنم منظور نظر وزارت مالى و كسیبسون محترم هست البته بنده هم موافقم

وزیر مالى - در این ماده كه تنظیم شده اگر درست دقت فرمائید تمام این اظهاراتى كه فرموده ملاحظه شده است همان طور كه فرمودید تمام مملكت در پرداخت این وجوه شريكند در استفاده از این پول هم تمام مملكت شركت دارد و سهم می برد

چنانچه بكنسقت برای اهالى شهرها و مصارف شهرها معین شده و بكنسقت برای راه سازیها مصرف میشود و اینتقت در واقع يك چیزی است كه اهالى دهات و شهرها كلیه استفاده می کنند

در تبصره ملاحظه میفرمائید قید شده است در نقاطى كه آن مالیات داده میشود بایستى نصف آن مبلغى را كه مى دهند بصرف همان نقاط معینه برسد تمام این نکات در این قانون رعایت شد و از نقطه نظر همومى آنچه را كه باید ملاحظه شود از حیث داخل شهرها چه از حیث خارج شهرها رعایت شده

در قسمت شهرها مربوط باینكه بلديه داشته باشد یا نداشته باشد نیست از زوری عايدات هر شهری كه عايدات بلدی بنا نواقش بوده است از زوری همان تناسب به آن نقاط حق داده میشود خواه بلديه داشته باشد خواه نداشته باشد از زوری عايداتى كه در هر نقطه امروز دولت مى گیرد از زوری همان عايدات به آنها مى دهند با اضافه همان عايداتى را كه در سال اولى مى گیرند نصف مخارج آن را به موسسات بلدی خواهند پرداخت و هفتاد و پنجاه هزار تومان هم از سال دوم برای ساختمانهاى مهم شهرها خواهند داد و از سال ۱۳۰۶ هم اضافهات هر چه باشد تقسیم میشود

بعضى از نمایندگان - مذاكرات كانی است

رئیس - پیش نهاد آقای آقا سید یعقوب (بشرح ذیل خوانده شد)

تبصره ذیل در ماده سوم پیشنهاد میکنم تمیین شهرهای عده بصورت تمیین وزارت داخله خواهد بود

آقا سید یعقوب - در اینجا آقای مغیر ترجمه بكنند نوشته است - بنده چون لایحه طبع و توزیع نشده بود كه كاملاً مستحضر شوم همین اندازه ملتفت شدم كه مقداری از این عواید صرف شهرهای عده ایران خواهد شد این شهرهای عده كلام مطلقى است - بنده مى گویم شيراز عده است آقای خوئى مى گویند تبریز عده است آقای تهرانى میگویند تهران عده است

اگر مطالبی را كه بنده عرض میکنم منظور نظر وزارت مالى و كسیبسون محترم هست البته بنده هم موافقم

وزیر مالى - در این ماده كه تنظیم شده اگر درست دقت فرمائید تمام این اظهاراتى كه فرموده ملاحظه شده است همان طور كه فرمودید تمام مملكت در پرداخت این وجوه شريكند در استفاده از این پول هم تمام مملكت شركت دارد و سهم می برد

چنانچه بكنسقت برای اهالى شهرها و مصارف شهرها معین شده و بكنسقت برای راه سازیها مصرف میشود و اینتقت در واقع يك چیزی است كه اهالى دهات و شهرها كلیه استفاده می کنند

در تبصره ملاحظه میفرمائید قید شده است در نقاطى كه آن مالیات داده میشود بایستى نصف آن مبلغى را كه مى دهند بصرف همان نقاط معینه برسد تمام این نکات در این قانون رعایت شد و از نقطه نظر همومى آنچه را كه باید ملاحظه شود از حیث داخل شهرها چه از حیث خارج شهرها رعایت شده

در قسمت شهرها مربوط باینكه بلديه داشته باشد یا نداشته باشد نیست از زوری عايدات هر شهری كه عايدات بلدی بنا نواقش بوده است از زوری همان تناسب به آن نقاط حق داده میشود خواه بلديه داشته باشد خواه نداشته باشد از زوری عايداتى كه در هر نقطه امروز دولت مى گیرد از زوری همان عايدات به آنها مى دهند با اضافه همان عايداتى را كه در سال اولى مى گیرند نصف مخارج آن را به موسسات بلدی خواهند پرداخت و هفتاد و پنجاه هزار تومان هم از سال دوم برای ساختمانهاى مهم شهرها خواهند داد و از سال ۱۳۰۶ هم اضافهات هر چه باشد تقسیم میشود

مناط اینكه باید این مبلغ بمصارف بلديههاى آنها شود بتمیین و تشیيس وزارت داخله است نه بتمیین و تصویب وزارت مالى كه وزارت مالى بلكه در اینجا ملاحظه نكنند وزارت داخله است بعنوان اینکه بنده در تحت نظر وزارت داخله است این بود كه بنده اینطور پیش نهاد كردم

مغیر - اینجمله ظاهر و روشن است كه بلديهها را وقتى كه مجلس بخواهد رسيد كنى كند باید بتوسط وزارت داخله اقدام كند و بتوسط وزارت داخله اقدام خواهد شد وزارت مالى دخالت نمى كند فقط نظارت مى كند در این هفتاد و پنج هزار تومانی كه اضافه بر عواید میدهد كه بخرج خيابانها برسد يا خرج روشنائى و غیره بشود و تصور نمى كنم محتاج باشد باینستله

رئیس - (خطاب به آقای آقا سید یعقوب) چه مى فرمائید رای میگیریم یا مسترد میکنید؟

آقا سید یعقوب - بنده همین اندازه میخواستم كه تمیین شهرها مربوط بوزارت داخله باشد اگر آقای مغیر و آقایان زراء قبول میکنند كه وزارت مالى دخالت نكند استرداد مى كنم

رئیس - پیشنهاد آقای تهرانى این بنده تبصره ذیل را پیش نهاد مینمایم

تبصره - تمیین و انتخاب هر يك از مستخدمین بلديه و مالى و فوآند عامه كه در اثر این قانون بیکار میشوند و ذوات آنها منحل میشود در دو اثرى بلكه بواسطه اجرای این قانون تاسیس میشود مقدم بر سایر مستخدمین خواهند بود

وزیر مالى - این مربوط بقانون استخدام است

آقا شیخ محمدعلى تهرانى - فكر این را بكنند آقایان كه امروزه در اثر تصویب این

مغیر - بنده نمیتوانم از طرف كسیبسون قبول كنم و استعدا میکنم ارجاع به كسیبسون شود تا درش مطالعه شود

وزیر فوآند عامه - بنده خیال میکنم منظور كسیبسون هم همینطور بوده كه آقای تقى زاده پیشنهاد فرمودند و با بهمین طور هم باشد والا زوری چه نسبتی تقسیم مى كنند

يك نسبت غیر عادلانه كه نمیتوانند تقسیم كنند امروزه با هفتاد و پنجاه هزار تومان یا اضافه كه در عايدات پیدایى شود به تناسب عايدات امروزه باید تقسیم شود

رئیس - باید برای بقابل توجه بودنش گرفت ولی چون از طرف آقای مغیر تقاضای ارجاع بکسیبسون شده بنابر این پیشنهاد سایر پیشنهادات را هم اگر آقایان موافقت ارجاع شود بکسیبسون آقایان موافقت هستنند جلسه را ختم میکنم؟

جمعی از نمایندگان - صحیح است گلزدونی - بنده پیشنهادى راجع موافق است

آقا شیخ محمدعلى تهرانى - فكر این را بكنند آقایان كه امروزه در اثر تصویب این

قانون عهد زبانی از مستخدمین مملکت که ماهی بیست و پنج تومان رسی تومان حقوق دارند بیکار میشوند وقتی که بیکار شدند پس فردا عصر مجلس مامم ختم میشود هر یک از آنها ما و کلاه را بپوشند و میگویند کاری هاشد بغیر از اینکه ما را بیکار بکنند نان کنید.

حقیقتاً این قانون رفتی که وضع میشود اگر فرض کنید پنج کرور عایدی داشته باشد صدی پنج او باید خرج شود یعنی یک کرور باید خرج شود (همه مناسبت گان) خیر اشباه کردم صدی پنج او باید خرج شود.

بنده عقیده ام اینست که مادام که این اشخاص هستند و بیکارند اینها را سرکار بیارند و مقدم باشند بر سایرین نه اینکه هی بیوزارت خانه و آن وزارتخانه و مجلس بایند و استاقت کنند گوش بحرف آنها داده نشود.

همین اندازه اگر آقای وزیر مالیه بگویند این مستخدمین که در آنرا این قانون بیکار میشوند آنها را مقدم می داریم بنده پس می گویم و الا داعی نداریم که هی بیخود پیشنهاد کنیم پیشنهاد بنده فقط از برای همین است.

معاون وزارت مالیه! بنده مسئله اختصاص این مستخدمین از قانون و این قسمت مستخدمین ندارد. بطور کلی همیشه دولت در نظر دارد که مستخدمین که در ادارات دولتی بخدمت گماشته میشوند از منظر این خدمت باشند.

این مطلب در نظامنامه ما گفته شده و همین است و مخصوصاً در وزارت مالیه در هر موقی این مسئله رعایت میشود و بهترین دال اینست که شمار منظرین خدمت همیشه در ادارات دولت را متوجه می کنید باینکه آنها مقدم باشند بر این در این قانون ذکرش لازم نیست.

آقا شیخ محمد علی تهرانی بنده بواسطه خاطر این بر این سخن گفتم.

رئیس - پیشنهاد آقای میرزا شهاب (بعضی من آنی قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم عبارت نازمانی که بلدی قانونی تأسیس نشده است از قسمت (ب) ماده سوم حذف شود.

آقای میرزا شهاب - این قسمت را البته توضیح خواهند داد نامدی که بلدی قانونی تأسیس نشده است در تحت نظر وزارت مالیه خرج میشود ولی بنده بواسطه همان بلدی قانونی خرج خواهد شد.

که قانون بلدی داریم و یکی از اساس مشروطیت بلدی ها است که بایستی همیشه قانونی باشد و اساس مشروطیت هم کلا و جزء تعطیل بردار نیست.

اینجا ما اقرار میکنیم که برخلاف قانون یک بلدی تشکیل کرده ایم از طرف دیگر مشر یک معنی دیگری هم خواهد بود. این مبلغ بلدی داده میشود نازمانی که بلدی قانونی تأسیس نشده است ممکن است در آتی هر چه تفسیر شود که بعضی اینکه بلدی قانونی تأسیس شد دیگر این مبلغ را به بلدی نخواهند داد و فوری بلدی قانونی باید برود و فکر عایداتی بکنند در صورتیکه قبل از تأسیس شدن بلدی لویا بش را باید بیاروند بصوب مجلس برسانند که وقتی تأسیس شد این پول را داشته باشد.

حالا بنده باینکه ملاحظه که ضمناً اقرار به بلدی غیر قانونی میشود و اینکه ممکن است بعد ها اینطور تفسیر شود پیشنهاد کردم این جمله برداشته شود.

رئیس - آقای مخیر مخیر فرمایش آقای آقا میرزا شهاب در این جا گمان می کنم وارد نباشد و الا بعضی جاها هست که بلدی هنوز تشکیل نشده است و بعضی جاها هست که هنوز انتخاب انجمن بلدی را مطابق قانون شروع نکرده اند.

مثلاً مشهد اداره بلدی داشته و انجمن بلدی هم مطابق قانون تشکیل شده ولی انجمن مطابق قانون در موقع تجدید انتخاب نایباً انتخاب نشده.

مقصود اینست که هر جا مطابق قانون انجمن بلدی هر وقت انتخاب شد این نظارت مالیه موقوف می شود و وزارت مالیه مادام که انجمن بلدی نیست در کارهای بلدی نظارت میکند.

اما آن اعتراضی را که فرمودند عبارت مادام که بلدی قانونی نیست معنی اینست که بعد که بلدی قانونی بیاید این هفتاد و پنجاه هزار تومان را نباید به آنها بدهند ملاحظه فرمایند چون در بین الهالاین بعد از در تحت نظارت وزارت مالیه این فراز اضافه شده (نازمانی که بلدی قانونی تأسیس نشده است) این مغلطور را ایجاد نمیکند.

رئیس - رأی می گیریم بقبول توجیه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجیه میدانند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجیه نشد. پیشنهاد آقای کازرونی.

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده تبصره ذیل را پیش نهاد میکنم.

تبصره - وجوهی که اختصاص ببلدی ها داده شده است باز عایدت تناسب بشمار

شهر او تعصبات تقسیم خواهد شد.

کازرونی - توضیحی که آقای وزیر دادند این نبود که مردم شهرها هر اندازه که از نواقل استفاده میکنند بهمان اندازه بایستی بهشان داده شود در صورتیکه چنانچه بنده عرض کردم بایستی در اینجا نظر با استفاده شهرها از نواقل کرد.

چون شهرها تعصبات هست که سابق استفاده از نواقل نمی کرده و لیکن این مالیات را همان اشخاص هم که در سابق نواقل می دادند استفاده نمی کردند امروز میدانند از این جهت اگر بنویسیم جمیع شهرها و تعصبات همانطوری که پول می دهند استفاده هم بکنند صحیحتر است دیگر بایستی با اختیار آقایان است.

مخیر - بنظر مجلس واگذار میکنم.

رئیس - رأی می گیریم بقبول توجیه بودن این پیشنهاد آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجیه میدانند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجیه نشد. رأی می - گیریم ماده سوم بطوری که عرض مجلس رسید آقایان موافقت قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده چهارم قرائت میشود.

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده چهارم - این قانون در روز پس از تصویب بوقت اجراء گذاشته می شود و از تاریخ اجراء مطابق اصول مالیات ها و عوارض ذیل بکلی ملغی و موقوف خواهد شد.

باج راه نواقل - مالیات دلایی - مالیات مرتج دواب و وسائط نقلیه راه گذر مالیات قیانهاری مالیات هوائی - کلیه عوارض و مالیات های بلدی و معارفی و غیره که توسط بلدی ها از اهالی شهر ها یا از مال التجاره ویا وسایل نقلیه که بشهر ها وارد شده یا از آنجا عبور مینمایند اخذ میگردد.

همچنین کلیه مالیات ها و عوارضی که افراد یا موسسات به رسم و رسم از مال التجاره یا دواب و وسائط نقلیه که بشهرها وارد یا از آنجا عبور نموده و یا خارج میشود یا از جاده های مملکت سیر مینماید وصول میکنند تبصره - هر گاه این قانون از طرف قبال یکی از بلدیها یا موسسات دیگری نقض گردد مسئول بطور در اثم از خدمت دولت منفصل خواهد شد.

رئیس - این تبصره در کمیسیون بودجه یک اصلاحی شده و آن این است که بعد از کله از طرف قبل از کله همان اضافه شود (ادارات مالیه) و عبارت تبصره اینطور خواهد شد که (هر گاه این قانون از طرف ادارات مالیه یا اعمال یکی از بلدی ها یا سایر اشخاص یا اشخاص دیگر

آقا سید یعقوب این ماده یک ماده است که امروز نجات میدهد تمام دهاتی را از او بک قدم بزرگی است که این کابینه که حقیقتاً مورد سرافرازی واقع شد برداشته ولی چیزیکه در اینجا بنده خواستم عرض برسانم و نام نهادم آقای مخیر توجیه کرده اند یا نه؟

در اینجا از جمله چیزهاییکه بایست برداشته شود در این ماده نیست که بنده بعنوان مخالفت صحبت میکنم این همان ماده است که تمام مردم مجلس دولت می دادند و استفاده نمی کردند امروز میدانند از این جهت اگر بنویسیم جمیع شهرها و تعصبات همانطوری که پول می دهند استفاده هم بکنند صحیحتر است دیگر بایستی با اختیار آقایان است.

مخیر - بنظر مجلس واگذار میکنم.

رئیس - رأی می گیریم بقبول توجیه بودن این پیشنهاد آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجیه میدانند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجیه نشد. رأی می - گیریم ماده سوم بطوری که عرض مجلس رسید آقایان موافقت قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده چهارم قرائت میشود.

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده چهارم - این قانون در روز پس از تصویب بوقت اجراء گذاشته می شود و از تاریخ اجراء مطابق اصول مالیات ها و عوارض ذیل بکلی ملغی و موقوف خواهد شد.

باج راه نواقل - مالیات دلایی - مالیات مرتج دواب و وسائط نقلیه راه گذر مالیات قیانهاری مالیات هوائی - کلیه عوارض و مالیات های بلدی و معارفی و غیره که توسط بلدی ها از اهالی شهر ها یا از مال التجاره ویا وسایل نقلیه که بشهر ها وارد شده یا از آنجا عبور مینمایند اخذ میگردد.

همچنین کلیه مالیات ها و عوارضی که افراد یا موسسات به رسم و رسم از مال التجاره یا دواب و وسائط نقلیه که بشهرها وارد یا از آنجا عبور نموده و یا خارج میشود یا از جاده های مملکت سیر مینماید وصول میکنند تبصره - هر گاه این قانون از طرف قبال یکی از بلدیها یا موسسات دیگری نقض گردد مسئول بطور در اثم از خدمت دولت منفصل خواهد شد.

رئیس - این تبصره در کمیسیون بودجه یک اصلاحی شده و آن این است که بعد از کله از طرف قبل از کله همان اضافه شود (ادارات مالیه) و عبارت تبصره اینطور خواهد شد که (هر گاه این قانون از طرف ادارات مالیه یا اعمال یکی از بلدی ها یا سایر اشخاص یا اشخاص دیگر

اما از باب سایر مالیاتها که فرمودند البته تصدیق میفرمایند که مالیاتها بر دو قسم است یک مالیاتی هست که راجع ببلدیها می شود و دیگری مالیاتی هست که راجع به دولت است.

اگر در این لایحه درست دقت بفرمایند وزارت مالیه قریب ششصد هفتصد هزار تومان از عایدات مملکتی را برای این لایحه کسر کرده و عایدات این لایحه را هم مخصوص کرده است بر آنها و بلدیها چنانچه اگر دقت بفرمایند باج راهها تاکنون هفتصد الی هشتصد و پنجاه هزار تومان عایدات داشته که جزو بودجه کل مملکتی منظور نیست در عرض ما سیصد و پنجاه هزار تومان بوزارت فوائد عامه میدهم آنوقت چهار صد و پنجاه هزار تومان تفاوت باج است که در بودجه مملکتی منظور بود حالا دیگر هیچ جزو بودجه مملکتی نمی آید جز راهها می - شود.

همانطور راجع به مالیات قیام داری که باید برداشته شود یکی عنوان سوق - الدواب است و اینجا هیچ عنوان ندارد بنده می دانم مردم در شهر ها میبایست هستند.

در صورتی که یکی از جمله چیزهایی است که باید در اینجا صحبت شود بنده خواستم عرض کنم که در این ماده عنوان اینطور باید بشود که بنظر مالیات مستثنی است که بعنوان قانون مجزی باید داده شود و مالیات های غیر مستثنی که در اینجا متذکر است.

کلیه عوارضی که از مردم گرفته میشود از باب عوارضی که بزرگ و بزی و غیره که بلدی به آنها تحمیل کرده بود باید گرفته نشود و باید عبارت کلی و جامعی که حقیقتاً حالا که دولت یک قدم اساسی برداشته است و خواسته است مردم را راحت کند در تحت قانون بیاورد.

چون بواسطه ذکر کردن هر یک از آنها ما میگوئیم این مسائل که ذکر شده ملغی شده اما آنها که ذکر نشده است باز دولت میتواند بگیرد این است که خواستم آقای وزیر مالیه به آقای مخیر یک توضیحی بدهند که غیر از مالیات مستثنی که بوجوب قانون مجزی داده میشود آن مالیاتی که در اینجا هست تمام عوارضی که بر این مردم در این دوره مشروطیت بدهفته ماها تحمیل کرده ایم و مشروطیت تحمیل کرد اینها برداشته شود.

وزیر مالیه این قسمت باج راه شمران را که آقای آقا سید یعقوب فرمودند چون راه شمران هم جزء راههای مملکتی است وقتی که اینجا نوشته شده باج راه دیگر اختصاص بیک نقطه در نقطه ندارد در تمام مملکت هر جا باج راه باشد برداشته میشود چه شمران باشد چه جای دیگر

جمع نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای عدل (شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در ماده چهارم پس از عبارت موقوف خواهد شد قید شود و پس از تشکیل بلدیهای قانونی بلدیها نیز حق نخواهند داشت مالیات هایی بمنابین ذیل وضع نمایند

رئیس - تصور میکنم این را نشود مطرح کرد. بر طبق صریح قانون اساسی غیر از مجلس شورای ملی هیچکس حق وضع قانون ندارد

عدل - همینقدر تذکر کافی است مقصود من بعمل آمد

رئیس - پیشنهاد آقای یاسائی و همچنین آقای سهراب زاده راجع با اضافه سوق - الدواب (شرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم بعد از باج راه نواقل سوق الدواب هم اضافه شود یاسائی - بنده پیشنهاد میکنم در ماده چهار بعد از کلمه باج راه سوق الدواب نیز اضافه شود.

رئیس - آقای یاسائی یاسائی - مقصود ما از گذراندن این قانون ترفیع عامه است که کرورها مردم از چنگال مأمورین مالیه خلاص شوند و این اوضاعی که مردم مؤذبان مالیات با مأمورین مالیه دارند باعث زحمت آنهاست از بین بیاورد.

ما در مرفوع وضع مالیات بر معاملات یا اصلاح مالیات اصناف ممکنست این مسأله را در نظر بگیریم و اگر این دوره موقی نشدیم دوره های بعد شاید موقی شویم

مالیات سوق الدواب یک نوع مالیات بر معامله است و مادامی که مالیات بر معامله وضع نشده گرفتن مالیات از یک معامله مخصوص مثل معامله اسب و الاغ بنظر بنده خوب نیست کلیه معاملات در این مملکت آزاد است ولی وقتی دو رأس اسب خرید و فروش میشود باید یک مالیاتی بدولت بدهد

بلاوه پس از اینکه مأمورین نواقلی و باج راهها وصول این عوایدی را که ملغی میشود منحل کردیم دیگر یک مأمورین مخصوص در ولایات برای اخذ مالیات سوق الدواب باشند تصور میکنم خرجش زیادتر میشود و عایدی آنها با مخارجش تکافونمیکند بنده تعین کردم مبلغ زیادی هم نمیشود

این است که استدعا میکنم آقایان بهین اکتفا بفرمایند به جهت اینکه در اینجا خیلی از مالیاتها برداشته شده است بقیه را هم شاید پس از یک مطالعاتی خیلی زود بطوری که رضایت آقایان فراهم شود لایحه را مرتب کنیم که اسباب رفاهیت مردم سوق الدواب هم یک نوع مالیات بر معامله

است و در ردیف آنها خواهد بود و الا بخصوص معامله دواب یک مالیاتی بدهد و سایر معاملات آزاد باشد این ظالمانه است و تیفیس شده

معاون وزارت مالیه - سوق الدواب یک قلم از مالیات هایی است که در اینجا ذکر شده و بنده تصور میکنم اگر بخواهیم دنبال این اقلام برویم خیلی مکرر و متعدد خواهد بود بهین مناسبت است که در ماده گذشته است و هم چنین

کلیه مالیاتها و عوارضی که افراد و موسسات به رسم و رسم از مال التجاره و دواب و یا وسائط نقلیه که بشهرها وارد یا از آنها خارج میشود ملغی میشود

بنابراین این قسمت شامل کلیه این قبیل چیزها میشود و اگر ما بخواهیم اسم بیسیم مالیاتهای بخصوصی که حالا دولست گمان میکنم این ماده لایحه را با اندازه مفصل می کند که از حدود ماده خارج میشود.

بنابراین تصور میکنم این قسمت که گمانشاه شده است که عایدت مقصود را می کند

مخیر - بنده بنظر مجلس واگذار میکنم.

رئیس - رأی گرفته میشود بقبول توجیه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجیه میدانند قیام فرمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجیه شد. ماده پنجم مخیر - این ماده پنج که در ضمن خبر کمیسیون قوانین مالیه نوشته شده چون مربوط باین کمیسیون نبود در کمیسیون نظری راجع بر دو قبول این ماده گرفته نشده قطعاً اجازه دادند بنده که همان ماده را که دولت داده جز لایحه بنویسیم که در مجلس هر نظری دارند آقایان اظهار کنند

ازین جهت کمیسیون قوانین مالیه مذاق این ماده نیست

رئیس - کمیسیون بودجه راجع بر توجیه است و در موقی خودش مطرح می شود بنابراین ماده چهارم از جاع بکمیسیون میشود سایر پیشنهادات هم اگر آقایان موافقت میروند بکمیسیون

شیروانی - یک پیشنهادی الان بنظر مبارک می رسد استدعا می کنم در مجلس قرائت شود برود بکمیسیون که اگر ماده بکمیسیون می رود با قبول کردن این پیشنهاد باشد.

رئیس - مجلس بطور قبول کند یعنی قابل توجیه بدانند یا مخیر قبول کند

شیروانی - مخیر کمیسیون قبول کند.

وزیر مالیه - بنده عقیده ام این است که این پیشنهادها را که مخیر قبول بکند یا نکند فرق نمیکند در حال بکمیسیون می رود کمیسیون هم دقت می کند اگر قابل

قبول باشد قبول می کند و اگر قابل قبول نباشد رد می کند

آقا سید یعقوب - بنده در دستور عرضی دارم.

رئیس - حالا موقی نیست

آقا سید یعقوب مقصودم این است که امروز برود در کمیسیون ماده را تمام کنند بعد از تنفس بیاروند

رئیس - مطابق نظامنامه و مطابق سابقه معمول نمیشود این ماده می رود به کمیسیون این پیشنهادات هم می رود و تا این رایوت می دهند ماده پنج بر طبق خبر کمیسیون بود قرائت می شود

(شرح ذیل خوانده شد)

ماده پنجم - وزارت فوائد عامه مجاز است برای اداره طرق و شوارع مملکتی یک نفر مهندس متخصص آمریکائی با سالی ده هزار دلار حقوق از پانزدهم اسفند ماه ۱۳۰۴ برای مدت سه سال استخدام نماید سایر شرایط استخدام مأمور مزبور مطابق قانون استخدام مأمورین مالی امریکائی مصوبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۰۴ خواهد بود

باین تفاوت که مأمور مزبور مسئول وزارت فوائد عامه است

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - عرضی ندارم

رئیس - آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - موافقم

رئیس - آقای امامی موافقم

رئیس - آقای امیر حسین خان موافقم

رئیس - آقای شریعتزاده موافقم

رئیس - آقای رضوی موافقم

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - این کسی را که استخدام می کنند اگر حقیقتاً متخصص باشد بجهت امری که لازم دارند البته بنده هم موافقم. لیکن نظر با اطلاعی که بنده دارم و گویا آقایان هم مستحضر باشند مستخدمی که ما از امریکائی بگیریم اگر متخصص باشد منوط باین است که سالی تقریباً چهل پنجاه هزار دلار اقلام مواجب داشته باشد (همه بین نمایندگان)

اجازه بفرمایند اجازه نمیدهند چکار کنیم! سی چهل هزار دلار اگر مواجب بدهیم ممکن است یک نفر متخصص از امریکائی استخدام کنیم

امریکائی که روزی ده تومان حملش میدهد دارد اگر ما بخواهیم یک نفر متخصص را باینجا بیاریم بسالی ده هزار دلار ممکن نیست و بر خلاف از سایر نقاط ممکن است ما متخصص

معلی - متخصص علمی بآبک حقوق کتری بیادریم .
 معتمد مخبر کیسیون بودجه - در ماده پنجم ۳۰۰۰
 رئیس - آقایان مایور مایور فریاد...
 نامه میخوانند صحبت کنند
 وزیر نوایند عامه - بنده در حال می بینم در اساس قضیه هیچ مغایرتی نیست . فقط آقای کازرونی يك اطلاعیه دارند که واقعا لازم است بعد از ایشان تحقیق کنیم .
 خوب اگر حال در آمریکا روزی ده تومان دارد که ما اینجا بی کار خیلی داریم خوبست يك همه را از اینجا به فرستیم آن جا روزی ده تومان بگیرند و واقعا کار خوبی است .
 حالا ایشان به موجب اطلاع خودشان میگویند که با این مبلغ متخصصان را جا نمیشود ولی چون دولت معتقد است که با همین مبلغ ده هزار دلار میشود متخصص آورد و وظیفه ایشان دارد یقین دارم آقای کازرونی هم این اطلاع خودشان را کنار می گذارند و این نظریه را قبول میکنند .
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .
 رئیس - رای می گیریم به ماده پنج آقایانی که موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شده ماده ششم (شرح ذیل خوانده شد)
 ماده ششم - وزارت مالیه مأمور اجرای این قانون و تهیه نظامنامه اجرای آن است (با استثنای ماده پنجم)
 رئیس - مخالفی ندارد (گفته شد خبر)
 وزیر مالیه - يك توضیحی میخوام عرض کنم این استثنائی که راجع به ماده پنج شده برای اینست که چون ماده پنجم راجع به متخصص است و آن متخصص در تحت اوامر وزارت قوایند عامه است در آن جا استثناء شده .
 رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
 شیروانی - عرض ندارم
 رئیس - رای می گیریم بماده شش آقایانی که موافقت قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد ماده الحاقیه پیشنهادی آقای شریعت زاده (شرح ذیل خوانده شد)
 ماده الحاقیه ذیل را پیشنهادی کنم .
 ماده الحاقیه - هرگاه وسائل نقلیه بواسطه شکسته شدن و یا جهات دیگر برای حمل و نقل استعمال نشود از تاریخ

اعلان کتبی مالک وسائل نقلیه برای تمام مدت تعطیل از تادیه مالیاتهای مقرر در ماده ۲ این قانون معاف خواهند بود .
 رئیس - چند پیشنهاد دیگر در این زمینه رسیده است که يك قدری فرق دارد پیشنهاد آقای عدل هم چون در این زمینه است قرائت میشود
 (شرح ذیل خوانده شد)
 ماده الحاقیه را پیشنهاد می کنم .
 برای وسائل نقلیه جرح دار که برای تعمیر یا ملاحظاتی دیگر معطل و کار نمیکند مادام تعطیل بنسبت از مالیات تعقیف داده میشود .
 پیشنهاد آقای میرزا عبدالله خان ماده الحاقیه - مادامی که وسائل نقلیه مصرعه در ماده دوم در تعمیر و یا آنکه بواسطه عدم لزوم بکار بیفتاد و تعطیل است از تادیه مالیات معاف خواهند بود .
 وزیر از دارنده گان وسائل نقلیه از قبیل دوچرخه و سه چرخه و چهار چرخه که مختص امور زراعتی است مالیات مصرعه در ماده دوم در بیانات نخواهد شد
 رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)
 شریعت زاده - تصور میکنم توضیح مفصلی لازم نداشته باشد زیرا بواسطه نقلیه که از کار می افتد يك مدتی طول می کشد تا بکار بیفتد علتی ندارد که آن وقت هم مالیات بدهد این است که پیشنهاد را کردم خوب است آقایان هم قبول کنند
 وزیر مالیه - بنده عقیده ام این است این مواد الحاقیه را که پیشنهاد کرده اند اگر بفرمایند چون آن ماده بکمیسیون رفته این مواد هم بکمیسیون برود در آنجا تصویب شود و با آن ماده چهارم که زایل شده میشود این مواد الحاقیه هم زایل شده شود که دوم مرتبه وقت مجلس تلف نشود
 رئیس - پیشنهاد دیگری هم از طرف آقای آقا سید یعقوب بعنوان ماده الحاقیه رسیده است بکمیسیون ارسال میشود
 آقا سید یعقوب - بفرمایند بخواهند توضیح بدهم
 رئیس اگر موافق باشید و به آنجا تشریف ببرید توضیح بیشتری خواهد داد از طرف همه زیادی از آقایان پیشنهاد شده است که مالیات راجع برود مطرح شود آقای امامی
 امامی - از جلسات مجلس دو جلسه بیشتر باقی نمانده از آن طرف هم بودجه ملکیتی را بر تشریح طرف کمیسیون بودجه به مجلس تقدیم شده تمام وزارت خانه ها مطلق و بلا تکلیف هستند بنده تقاضا کرده ام بودجه ملکیتی جزء دستور شود که اهمیتش خیلی زیاد تر از این لوایح است .
 رئیس - رای می گیریم باینکه لایحه

مالیات روده جزء دستور شود آقایانی که موافقت قیام فرمایند .
 (اکثر نمایندگان برخاستند)
 رئیس - تصویب شد پیشنهادی هم بعنوان ماده الحاقیه راجع بقانون الغایب راجع راهها از طرف آقای مدرس شده است .
 کمیسیون قوانین مالیه ارجاع می شود خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع بمالیات روده مطرح است .
 موافقت قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)
 ماده اول - تهیه و بعمل آوردن و فروش روده بطور مطلق در داخله ملکیت آزاد و از هر گونه عوارض معاف است
 ماده دوم - قیمت مسمره روده در موقع خروج از ایران مازود می شود
 ماده سوم - وزارت مالیه مجاز است معادل صدی دوازده مالیات روده را برای مخارج وصول خرج نماید
 ماده چهارم - نظامنامه اجرای این قانون را وزارت مالیه تنظیم خواهد نمود
 ماده پنجم - از اول فروردین ماه ۱۳۰۵ مواد این قانون بوقوع اجرا گذاشته میشود
 و قانون روده مصوب ۱۷ خ ۲۲۸۰ فروری ملغی خواهد بود
 رئیس - ماده سوم این خبر راجع بخرج است کمیسیون بودجه تصویب نکرده است و حذف شده است آقای وزیر مالیه هم موافقت کردند و پس گرفتند بنابراین ماده سوم از این خبر حذف میشود شورد در کلمات است .
 آقای عدل (اجازه)
 عدل - عرض میشود بنده باین قانون موافقم . فقط مخالفت بنده چند مسئله است یکی این است که در ماده دوم کمیسیون قیمت مسمره روده در موقع خروج از ایران مازود می شود این قیمت نیست بعقیده بنده قیمت را باید از مشتری میگیرند .
 اما در خصوص تعیین قیمت مسمره که فرمودند در کمیسیون هم عرض کردم چون قیمتی که در بازار خارج بفرش میرسد همیشه تغییر میکنند .
 اگر چنانچه دولت در این لایحه يك قیمتی را معین کند ممکن است يك وقتی نسبت بآن قیمتی که در خارج بفرش میرسد صرف نکند و این صادری که هست از بین برود و ممکن هم باشد که این قانون را لغو کرد .
 ولی اگر اختیار بدولت داده شود البته در هر موقعی که حساب می کنند و ترتیبش را از برای تاجر از برای آن کسی که میخواهد درست کند و حمل کند از حیث مخارج ملاحظه کند و مانع آن اشخاص را هم در نظر بگیرد آنوقت قیمت را از روی تاكس آنجا و مخارجی که بر میآورد دولت در سرحد معین می کنند که هم این مال التجاره خارج شده باشد و هم از جهت زیادی قیمت اسباب نكسی - بسیاری صادرات ملکیت فراهم نشود .
 نظر دولت این است که از بسیاری

چون در بازار های دنیا ممکن است قیمت روده يك دفعه ترقی کند و یکدفعه تنزل کند .
 این هم مذاکره شده که ممکن است سال بسال قیمتش را معین کنند و اعلان کنند که يك ترتیبی باشد که آن تاجری که حمل میکند برای تعیین قیمت آن معطل نباشد که به بنده قیمتی که برای آن گذاشته اند میتواند تحمل کند یا نه
 عرض سوم بنده این است که باین ترتیب کامیبری که امروز در این ملکیت زیاد است ما هیچ معسولی برای روده نخواهیم داشت که بخارج برود و میخواهیم استفاده کنیم که ابتدا آنکه ماده دفع آفات حیوانی که بچسب آمده است آنرا زودتر در دستور بگذارند که تمام بشود و الا باین ترتیب مالو گوسفند در ایران نخواهد ماند که روده آن حمل شود این است که استفاده می کنیم که از آزاد این مالیات يك مبلغی برای دفع آفات حیوانی تخصیص داده شود .
 وزیر مالیه - آقای عدل در اینجا دو قسمت اظهار نمودند یکی راجع به قیمت که چرا اینجا نوشته نشده چون يك قانونی از مجلس گذشته که روده بموجب آن قانون متعلق به دولت قرار داده شده و امروز روده متعلق بدولت است .
 بنابراین قانونی که سابقا مجلس وضع کرده است وزارت مالیه هم در اینجا متمتع بدولت قرار داده و تا آن قانون لغو نشده دولت نمی تواند بر خلاف آن رفتار کند .
 اما در خصوص تعیین قیمت مسمره که فرمودند در کمیسیون هم عرض کردم چون قیمتی که در بازار خارج بفرش میرسد همیشه تغییر میکنند .
 اگر چنانچه دولت در این لایحه يك قیمتی را معین کند ممکن است يك وقتی نسبت بآن قیمتی که در خارج بفرش میرسد صرف نکند و این صادری که هست از بین برود و ممکن هم باشد که این قانون را لغو کرد .
 ولی اگر اختیار بدولت داده شود البته در هر موقعی که حساب می کنند و ترتیبش را از برای تاجر از برای آن کسی که میخواهد درست کند و حمل کند از حیث مخارج ملاحظه کند و مانع آن اشخاص را هم در نظر بگیرد آنوقت قیمت را از روی تاكس آنجا و مخارجی که بر میآورد دولت در سرحد معین می کنند که هم این مال التجاره خارج شده باشد و هم از جهت زیادی قیمت اسباب نكسی - بسیاری صادرات ملکیت فراهم نشود .
 نظر دولت این است که از بسیاری

تاجر یا کسی که این جنس را حاضر میکند قیمت روده و مخارج حمل و نقل و آن مناسمی که بسرائ تجارت لازم است همه اینها را حساب می کند و از قیمت کسری کند بقیه را بگیرد این بود نظر دولت
 حالا اگر این چیزیکه نوشته شده بسرائ این نظر کافی میدانید که هیچ و اگر کافی نمی دابید پیشنهادی بکنید که این نظر دولت را تأمین کند ما هم قبول میکنیم
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .
 آقای رضوی و بعضی از نمایندگان - میگویند کافی نیست .
 رضوی - مرحمت فرمایند بعد بیاوید جواب بدهید .
 صدای زنگ رئیس - دعوت بسکوت
 رئیس - (خطاب بر رضوی) بفرمایند .
 رضوی - بله بلاوه این قسمت مسمره هیچ معنی ندارد و هیچ معلوم نیست اگر چه آقای وزیر جواب دادند ولی بنده واقف نکند باید يك قسمت معینی داشته باشد صدی بیست صدی سی که برای تاجر هم صرف کند و دولت هم بداند که چه میگیرد و این قانون هم گذر دوره دوم گذشته برای گوسفند می گذر دوره اول مال دولت است نه اینکه بنده و سایر مردم زحمانش را بیکسهم بدهد که برود تمیز شد و در سرحد حاضر شد دولت باید بگوید خیر این مال من است .
 وزیر مالیه - نظر اساسی دولت از وضع این لایحه (چون روز قبل هم عرض کردم) اسباب تسهیل و آسایش مردم است .
 قانونی که در ملکیت هست در موقع عدل ملاحظه فرموده اند اسباب زحمت هم برای دولت و هم برای مردم فراهم کرده
 مخصوصا اهالی دهات و غیر ذلك که شاید همه آقایان مخصوصا در این موضوع چه با وزارت مالیه مذاکره کرده اند و چه در مجلس فرموده اند
 نقطه نظر اساسی دولت این بوده است که این اشکالاتی که فراهم بوده است رفع شود راهی که پیدا کرده اند این است که که در سرحد این مالیات را که ایستنی مأمور در شهر ها و اطراف برود و اسباب زحمت مردم بشود بگیرند
 چون البته دولت در هر دمی هم که خودش نمی تواند اداره کند مجبور است به ستاجری واگذار کند و آنها بروند و يك مزاحمتی برای مردم فراهم کنند
 پس برای اینکه این قسمتها از جلوبگیری بشود راه عملی این است که در سرحد این مالیات را بگیرند و باین جهت این لایحه پیشنهاد شده .
 بنده عرض کردم چون نظر دولت این است که این صادر ملکیت به هیچ وجه کاسته نشود قسمت مسمره را نوشته و الا ممکن بود الان اگر یکی دور پال میفرودند دولت هم پال را بگیرد پس برای چه دولت قیمت را نوشته ؟ برای همان نقطه نظر که میخواهیم بصادرات ملکیت صدمه وارد نباید باین جهت قیمت نوشتیم که در سرحد

بنابر این حالا سالی نماندیم شده هفتصد هزار تومان بیشتر از این راه مالیات دولت است بنده قطع دارم که اگر این مالیات را در سرحد بگیرند بکلی این مالیات نصف خواهد شد .
 بعضی از نمایندگان - اینطور نیست .
 رضوی - مرحمت فرمایند بعد بیاوید جواب بدهید .
 صدای زنگ رئیس - دعوت بسکوت
 رئیس - (خطاب بر رضوی) بفرمایند .
 رضوی - بله بلاوه این قسمت مسمره هیچ معنی ندارد و هیچ معلوم نیست اگر چه آقای وزیر جواب دادند ولی بنده واقف نکند باید يك قسمت معینی داشته باشد صدی بیست صدی سی که برای تاجر هم صرف کند و دولت هم بداند که چه میگیرد و این قانون هم گذر دوره دوم گذشته برای گوسفند می گذر دوره اول مال دولت است نه اینکه بنده و سایر مردم زحمانش را بیکسهم بدهد که برود تمیز شد و در سرحد حاضر شد دولت باید بگوید خیر این مال من است .
 وزیر مالیه - نظر اساسی دولت از وضع این لایحه (چون روز قبل هم عرض کردم) اسباب تسهیل و آسایش مردم است .
 قانونی که در ملکیت هست در موقع عدل ملاحظه فرموده اند اسباب زحمت هم برای دولت و هم برای مردم فراهم کرده
 مخصوصا اهالی دهات و غیر ذلك که شاید همه آقایان مخصوصا در این موضوع چه با وزارت مالیه مذاکره کرده اند و چه در مجلس فرموده اند
 نقطه نظر اساسی دولت این بوده است که این اشکالاتی که فراهم بوده است رفع شود راهی که پیدا کرده اند این است که که در سرحد این مالیات را که ایستنی مأمور در شهر ها و اطراف برود و اسباب زحمت مردم بشود بگیرند
 چون البته دولت در هر دمی هم که خودش نمی تواند اداره کند مجبور است به ستاجری واگذار کند و آنها بروند و يك مزاحمتی برای مردم فراهم کنند
 پس برای اینکه این قسمتها از جلوبگیری بشود راه عملی این است که در سرحد این مالیات را بگیرند و باین جهت این لایحه پیشنهاد شده .
 بنده عرض کردم چون نظر دولت این است که این صادر ملکیت به هیچ وجه کاسته نشود قسمت مسمره را نوشته و الا ممکن بود الان اگر یکی دور پال میفرودند دولت هم پال را بگیرد پس برای چه دولت قیمت را نوشته ؟ برای همان نقطه نظر که میخواهیم بصادرات ملکیت صدمه وارد نباید باین جهت قیمت نوشتیم که در سرحد

همیشه حساب گفته بترتیبی که برای تاجر حملش صرف بکنند آن اندازه را زمین بگذارند بقیه را بولش را بگیرند
 عرض کردم هر قسم پیشنهاد بفرمایند که این نظر دولت را تأمین کند بنده قبول می کنم با این حال دیگر نمی بینم علت مخالفت آقای حاج میرزا عبدالوهاب که خودشان هم نمایند ولایت هستند چیست ؟
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .
 رئیس - پیشنهاد آقا .
 (شرح ذیل قرائت شد)
 پیشنهادی کنم بعد از روده کیون روزه متصل برود در ماده اول اضافه شود .
 مخبر - قبول میکنم .
 رئیس پیشنهاد آقای افشار .
 (شرح ذیل قرائت شد)
 ماده اول را بطریق ذیل اصلاح می کنم .
 ماده اول - در موقع خروج از ایران مالیات ذیل از روده مأخوذ خواهد شد
 روده گاو و گاو میش رسته دو قران
 روده گوسفند سی شاهی
 افشار ماده دومی شود
 رئیس - نوشته اید ماده اول پیشنهاد آقای افسر هم مربوط بماده دوم می شود .
 ماده اول قرائت میشود بطوری که اصلاح شده .
 (شرح ذیل خوانده شد)
 ماده اول - تهیه و حمل آوردن و فروش روده کیون روزه متصل برود بطور مطلق در داخله ملکیت آزاد و از هر گونه عوارض معاف است .
 رئیس - رای می گیریم بماده اول بطریقی که قرائت شد .
 آقایانی که موافقت قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد ماده دوم (به مضمون سابق قرائت شد)
 رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
 شیروانی - در پنجشنبه بعد هم بیخ - الثاني ۱۳۲۸ یقانون در مجلس گذشته است که حالا ما وقتی به آن مراجعه میکنیم حقیقتا تعجب می کنیم ولی در آن موقع من آنها را مقصر نمی دانم .
 چون در آن وقت روده را می بردند توی کوچه و کنار خندق یا زیر خاک می کردند که کثافتش اسباب زحمت نشود . نمی دانستند که روده یکی از مال العیاره های دنیا خواهد شد . آمده اند اینطور که بنده اند که روده و کیون روزه متصل برود که باینجه در تمام ملکیت بتوان مالیات متعلق بدولت است .

یکی از موادی که در ملکیت حمل می آید و مردم حق دارند از اش استفاده کنند این را دولت بفرودش منحصر کرده و اسمش را هم گذاشته است مالیات .
 این بعقیده بنده در آن زمان شاید چندین عیبی نداشته ولی حالیکه قانون ظالمانه ای است برای اینکه همانطور که گوسفند مال مردم است . روده اش هم مال مردم است بعد آمده است دولت که از این راه يك عایدی برای مملکت تهیه کرده است که بنده میخواهستم پیشنهاد کنم اصلا این مسئله حذف شود .
 یعنی چه ؟ که يك پولی از مردم باین عنوان در سرحد بگیرند .
 بعد بنده پرسیدم از آقای وزیر مالیه معلوم شد شصت هزار تومان عایدی دارد که اگر اینرا حذف بکنیم از بودجه مملکت شصت هزار تومان کسر میشود و می خواهد هجالتا این شصت هزار تومان از بودجه مملکتی کسر نباید تا اینکه يك معنی پیدا کند برای پر کردن جای عایدی .
 اگر چه بعقیده من آن یکی را که گذرانندیم خیلی جا ها را بر می کند و انصاف مقتضی است که این مالیات را بکلی حذف کنیم .
 ولی چون میدانم که این عقیده بنده مورد قبول نخواهد شد هجالتا می گویم بیش از این شصت هزار تومان دیگر از مردم نخواهند معادل همین شصت هزار تومان کافی است که دولت استفاده کند .
 اینست که وقتی مراجعه بماده پیشنهادی دولت می کنیم این ماده فعلی را بنده از آن ماده هفدهم جدا کرده ام قبل بدتر می دانم برای اینکه در داخله ملکیت قانون گذرانند که روده که قصاب دور می اندازد دولت ضبط کند بعنوان مالیات برود بفرودد در اینجا يك ماده گذارده ایم که قیمت مسمره روده در موقع خروج از ایران مأخوذ شود .
 یعنی چه ؟
 یعنی متصدی اینکار کثافتات را متحمل بشود روده را باك کند خشک کند و نمک بزند و حمل کند بر دوسر حد بدولت بدهد و برگردد . حقیقتا چیز عجیبی است سابق همینطور روده را از اش می گرفتند .
 حالا قیمت معین شده که وقتی تمام زحمات را کشید روده را باك کرد و برود بسرائ آنجا يك قیمتی برای روده معین کنند و آن قیمت را دولت از اش بگیرد اصلا بنده میسریم از آقایان که این معنی خواهد شد ؟
 آیا دیگر کسی حاضر است روده را بیادری کند که بنده میسریم بفرودش را بدهد بدولت بر گردد ؟
 این ماده بعقیده بنده يك ماده ایست که فایده هم برای دولت نخواهد داشت برای اینکه هیچکس حمل نخواهد کرد و بلاوه اسباب زحمت مردم خواهد شد .

چون بک رشته مال التجاره است که باید از استفاده بیرونماندنی که آقای رضوی فرمودند یک صادر مهم مملکت ما ازین می رود.

اینست که بنده کاملاً با اینانده مخالفم و اگر آقایان موافقت می فرمودند که آن مانده اول زمانه را حد فرار بدهیم بویته مواد را حذف کنیم. این خیلی بزرگوار بود اگر اینکار را نمی خواهند بکنند باید درست حساب کرده مغایر بمل آوردن حمل و نقل و سایر مغایر تجارتی و دلالتی همه را حساب کنند و اقلاً صدی ده برای متصدی اینکار منظور کنند آنوقت در سرحد بقیه قیمتش را تسعیر کنند صدی نودش را بعد از وضع مغایر ازین بگیرند و الا اینانده معنی است که گمان میکنم هیچکدام آقایان موافقت نفرمایند.

وزیر مالیه - آقای شبروانی اینجا یک تدری بی لطفی فرمودند.

اساساً گمان میکنم که هیچکس مخالف این نباشد که اگر تمام مالیات ها را بکشند برای مردم بهتر باشد این هیچ منکر ندارد.

حضرت عالی لازم نبود اظهار عقیده بفرمایند بنده هم این عقیده را دارم ولی از آن طرف تصدیق می فرمایند که مملکت هم خرج دارد.

مملکت بودجه دارد ادارات مغایر دارد. بایستی این مغایر و مصارف بودجه هائی که برای مملکت تهیه شده از هوائی این مملکت داده شود.

بنده تصور میکنم این عایدات یک عایداتی است که ضرر هم مردم چندان وارد نمی آید و یک عایدات عادلانه است که برای دولت منظور که گفته شد بانه صد شصت هزار تومان عایدات دارد و این اید آل را که فرمودید البته هر کس خوش می آید که در پشت تریبون این اظهارات بکند و البته مردم هم از این اظهارات خوششان بیاید.

شیروانی - پنج میلیون دار نمی دهند وزیر مالیه - سولی عملی نیست و گمان نمی کنم این اظهارات مملکت را اصلاح کند.

این اید آل را باید در خارج گفت در پشت تریبون باید حضرت عالی هم کمک کنید که مغایر مملکت اداره شود و بودجه و اعتبارات دولت حفظ شود.

اما در قسمت ثانی که فرمودند بنده همانطور که عرض کردم دولت هم همین نظر را دارد زیرا اگر این صادر نشود برای دولت ضرر دارد و خود دولت بیشتر مقید است باینکه مغایر و چیز هائی که لازم دارد

برای تاجر و کاسب منظور کنده نه هیلت فراهم بکنند تا اشخاصی پیدا بشوند این جنس را بر حد برسانند و اگر این نه هیلت را فراهم نکنند کسی پیدا نمی شود که این جنس را بر حد برسانند.

پس وظیفه وزارت مالیه است و سعی هم خواهند داشت که این نه هیلت را درست کنند و اینکه قیمت معین نکرده برای اینست که نه هیلت تاجر همیشه فراهم شود که یک اشخاصی برای عایدی اینکار را بکنند.

این قسمت در نظر تان باشد که همیشه وزارت مالیه بادر نظر گرفتن یک فوائدی برای تاجر و در نظر گرفتن مغایرش یک قیمت را معین میکند و هر وقت هم که قیمت خارجه تغییر نکرده است یک قیمت رسمی اعلان میکنند و از همان قرار گرفته اینجا تغییر خواهد کرد.

از اینجها مطلعش باشد که این مذاکرات و ملاحظاتی بهتر ترتیبی که تصور کنید در وزارت مالیه خواهد شد.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی شده است.

(بعضی گفته اند کافی نیست)

دکتر آقایان - بنده مخالفم با کفایت مذاکرات

رئیس - آقای دکتر آقایان (اجازه)

دکتر آقایان - عرض میکنم اگر در یک تدری است امری است عیبده.

جمعی از نمایندگان (بناورد همه)

عقیده شان را می گویند دیکتاتوری نیست.

دکتر آقایان - بنده از آقایان تقاضا میکنم پنج دقیقه وقت ببندند بکنند بنده با آقایان تبت کردم که این قانون اجازه نخواهد داد که یکدانه دروه از این مملکت خارج شود یک عده که از اشرافان می - خورند از بین خواهند رفت قبول بفرمایند.

بنده در کلیاتش مخالف بودم در ماده اول مخالف بودم وقت ندادند حالا هم بستم است با اجازه آقایان

رئیس همیشه اکثریت حاکم است افرادی که در اقلیت نمی افتند فقط داد و فریاد باید بکنند پیشنهاد کفایت مذاکرات شده است. آقایان بکنند کافی می دانند قیام فرمایند.

(عده قیام نمودند)

رئیس - کافی نیست و چند دقیقه تنفس داده می شود.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از یک ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

از باب کیخسرو - بنده در وقتی که در کلیات مذاکره بود اجازه خواسته بودم ولی نوبت بنده نرسید. با اینکه بنده برای وضع مالیات ها که مصرف سعادت مملکت برسد همیشه موافقم ولی یک تدری در عمل باید توجه کرد.

این قانونی که پیشنهاد شده است باین ترتیب اگر ماده دو اصلاح نشود بنده آن را هیچ عمل نمیدانم.

از آن حسابی که دولت کرده است بنده بی اطلاع هستم ولی بطور کلی یک ترتیبی می شود که این چیز صادر نخواهد شد. آیا دولت میتواند یک تاجری را پیدا کند و آن تاجر را بقتدر مال اندیش باشد که پول بدهد و ببرد. بفرود. مساعده بدهد بفرود. فروشها یک قسمت پولش را بخورند و بالاخره زحمت بکشند حمل بکنند وحشت مرغی را داشته باشد که آیا دروه در سر حد برسد یا نرسد و آیا ضایع نخواهد شد یا صورت های دیگری بخودش نخواهد گرفت؟ آنوقت آنجا برود و جنس خودش را تسلیم مأمورین دولت بکند که روده اش را قیمت کنند؟؟

این تاجر عجیب و غریبی خواهد بود و این یک تجارت تازه خواهد بود که بنده هیچ نمیتوانم حدس بزنم که این تاجر از کجا وجود پیدا خواهد کرد که بیاید اینکار را بکند!!

اینجا آقای وزیر فرمودند که دولت وسایل تسهیل برای تاجر فراهم می کند. این را هم بنده متأسفانه نفهمیدم. تاجر پولش را خودش می دهد. زحمتش را خودش می کشد. حملش را خودش میکند دولت برای او چکار می کند؟ خوب و بد آقای وزیر مالیه می فرمودند که آیا دولت یک مبلغ از این پول را بومی دهد؟ وسایل حملش را برای او فراهم می کند؟ آخر دولت برای او چکار خواهد کرد؟

بنده این را بهیچ عملی نمی دانم و در نتیجه اگر این ماده بهمین ترتیب بگذرد خیلی بطور روشن می بینم که هیچ روده از این مملکت صادر نمی شود. برای اینکه بکند مگر اینکه خود دولت واقعا بیاید همان قسمی که برای خودش بوده است دو وقته پیشنهادی بکند و این قانون را لغو کند و تمام روده داخلی را هم در دست خودش بگیرد.

بنده تصور می کنم برای حل این قضیه همان قسم که سایر آقایان هم اظهار کردند دولت باید قبول کند یک حق مخصوصی را معین کند که ناخر بدهد وقتی که این زحمات را متحمل شد و این جوهر را داد در سر حد چه باید بدهد اگر دولت این شکل کرد تاجر هم آن وقت بفتح ضرر خودش

نگاه می کند اگر برایش مقید بود اقدام می کند. والا اقدام نمیکنند.

در هر صورت تصور میکنم دولت این ماده را باید تغییر بدهد و باید یک پیش نهادی را قبول بکند که حق مخصوصی معین باشد.

بنده خودم هم برای این قضیه یک پیشنهادی تقدیم کردم که دولت در آنجا مطابق قیمت عادلانه روز که در سرحد معین می شود یک تلمش را دولت حق داشته باشد حالا این قسمت را آقایان کم بدانند یا زیاد بدانند باید پیشنهاد بکنند و البته موکول بنظر مجلس است ولی در هر صورت یک ملاحظاتی باید در این جا معین باشد.

رئیس - آقای آقا میرزا شهاب (اجازه)

آقا میرزا شهاب (مخالفم)

رئیس - آقای کازرون (اجازه)

کازرون - مخالفم.

رئیس - آقای رهنما (اجازه)

رهنما - موقفی که این لایحه طرح شد بنده خودم شخصاً متعده بودم که در کلیات این لایحه آقایان مراعات میگردند که نظریات و اطلاعات بیشتر گفته شود تا بالاخره نظریات معلوم شود که در مرحله بعد پیشنهادات و مذاکرات زیاد در بیست نهادات بر نخوریم. این نشد.

یک قانونی ما داشتیم و در همان تاریخی این را هم بنده متأسفانه نفهمیدم. تاجر پولش را خودش می دهد. زحمتش را خودش می کشد. حملش را خودش میکند دولت برای او چکار می کند؟ خوب و بد آقای وزیر مالیه می فرمودند که آیا دولت یک مبلغ از این پول را بومی دهد؟ وسایل حملش را برای او فراهم می کند؟ آخر دولت برای او چکار خواهد کرد؟

بنده این را بهیچ عملی نمی دانم و در نتیجه اگر این ماده بهمین ترتیب بگذرد خیلی بطور روشن می بینم که هیچ روده از این مملکت صادر نمی شود. برای اینکه بکند مگر اینکه خود دولت واقعا بیاید همان قسمی که برای خودش بوده است دو وقته پیشنهادی بکند و این قانون را لغو کند و تمام روده داخلی را هم در دست خودش بگیرد.

بنده تصور می کنم برای حل این قضیه همان قسم که سایر آقایان هم اظهار کردند دولت باید قبول کند یک حق مخصوصی را معین کند که ناخر بدهد وقتی که این زحمات را متحمل شد و این جوهر را داد در سر حد چه باید بدهد اگر دولت این شکل کرد تاجر هم آن وقت بفتح ضرر خودش

روده را یکی چند می فروخته است؟ کازرونی - سه قران رهنما - آقای کازرونی میفرمایند یکی سه قران یکی دیگری گوید یکی ده شاهی ولی در هر حال اگر یکی سه قران هم میگرداند بامریکا میرفته و صرف میگرداند است کازرونی - اینطور نیست.

رهنما - این را خوبست آقای کازرونی که می فرمایند اینطور نیست زحمت بکشند و به احصائیه گمر کی که مال همین امسال است و چاپ شده مراجعه بفرمایند و ببینند که چه قدر فروخته شده است البته تا صرف نمی کرده که نمی فروخته اند حالا ما بایستیم اساساً این را لغو کنیم البته مقید است.

ولی مسئله فشار بتجار داخلی یا اینکه از کیسه آنها داده میشود یا نه؟ این را بایستی با اعدا حرف زد و از روی هوا نمی شود گفت باید احصائیه گمر کی را باز کرد و گفت در نتیجه اینکه امسال اینقدر میگرداند صادرات روده ما اینقدر کمتر از سال گذشته شده است

وقتی شما عدد و حساب را بشت تریبون آوردید آنوقت ممکنست بنده هم رای ندیم و تا وقتی که شما احصائیه گمر کی را اینجا نیاوردید بنده نمی دهم که این مقدار بخارجه رفته و اینقدر فروخته شده است باین اظهارات مخالف خواهم بود

وقتی که شما ثابت کردید که این ترتیب بتجار داخلی صدمه میزند و این مالیات به صادرات شما ضرر میزند بنده هم موافقم و رای نمی دهم ولی این را باید تحقیقاً صحبت کرد و نمیشود گفت من خیال کرده ام بتجار ضرر میخورد

الان دو سه تجارت خانه اینجا هست که بصاحبان گو سفند پول پیش می دهند و روده میخرند و بخاراج حمل میکنند بنا بر این بنده نمیتوانم رای بدهم که از آن کمیانی امریکائی هم که میخورد و میفروشد از آنها مالیات گرفته نشود

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

کازرونی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمایید

کازرونی - مطالبی گفته میشود حقیقه طوری دردم و برهم و غیر آشکار است که نمی شود چیزی از آن استنباط کرد

خوبست آقایان اجازه بدهند که من بروم پشت تریبون و عرض کنم که قیمت فروش این روده چه قدر است و شخص تاجر از قباص چند میخورد و بالاخره چه قدر خرج میکند و چه قدر باید از آن بعنوان مالیات گرفته شود

بنده میخواهم ثابت کنم که ضرر بتجار وارد نمیشود بلکه ضرر بتجارت مملکت و صادرات مملکت وارد میشود اگر آقایان

نظرشان اینست که دو میلیون صادرات مملکت از بین برود اجازه ندهند ولی اگر خیلی اهتمام در این امر ندارند اجازه بدهند که توضیح بدهم

رئیس - رای گرفته میشود بکفایت مذاکرات. آقایانی که موافقتند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی است پیشنهاد آقای افسر (اینطور خوانده شد)

وزارت مالیه سالی یکم سه ترخی برای روده معین خواهد کرد که مناسبتی با منافع صادره داشته باشد

رئیس - مقصود تان اینست که بجای ماده دوم باشد

افسر - بلی بنده خیلی خوشوقت از آقای کازرونی که علاوه بر ملاحظاتی مملکتی ملاحظاتی بتجار هم میفرمایند ولی این فکر را باید کرد که الان چه زحمتی برای مردم ایران وارد است

کازرونی - برای کدام مردم؟ افسر - شما بنویسید خودتان صحبت کردید اجازه بدهید بنده هم عرضم بکنم بهتر اینست که مخیر کمیسیون عراض توضیح بدهند که چه قدر شکایت رسیده و آقای وزیر مالیه و آقای رئیس الوزرا توضیح بدهند که در این مدت سه سال مردم چه قدر شکایت کرده اند

قانونی که در ۱۳۲۸ گذرانندند حقیقه یک قانون صنفی بود چون در آن زمان مالیات صنف قصاب بضمیمه شده بود آنوقت آمدند و روده را متعلق بدولت کردند بندهم یک قران میگرداند بعد بتدریج سی شاهی و دو قران و دو درال شد باین سالی دوسه میلیون روده بخارجه میورد و باین سه قران مالیات گرفتن باز صرف میکنند کدام یک از کمیانیهای روده در این مملکت دو شکست شده اند

بنا بر این این یک قانون مهمی است برای آسایش مردم ولی همانطور که آقای ارباب و دیگران تذکر دادند باید یک تکلیفی معین شود تا مردمی که میخواهند روده را حمل کنند بدانند که برایشان صرف میکنند یا نه و اگر قانون باین ترتیب مجمل باشد که در سرحد معین کند هیچ کسی نمیتواند روده را حاضر کند ولی وقتی در اول سال معین کردند یک قران یا دو قران آنوقت اگر دیدند صرف می کنند تهیه میکنند میل نه داشته تهیه نمیکنند بنده بقیه دارم که این ترتیب برای شصت هزار تومان میشود

بجهت اینکه از مردمی که روده ایشان در بیابانها تقریباً میشود حالا دیگر چیزی نخواهند گرفت و با اینکه برای دولت ضرر

می کند با این حال بسیار خوب مالیاتی است

هجده سال آنطور تجربه کردید یک سال هم اینطور تجربه کنید اگر دیدید به تجارت بهم خورد آنوقت سال دیگر یک پیشنهاد دیگری بکنند و الا بگذارید مردم به اندازه هفتده سال راحت شوند

رئیس - عقیده کمیسیون چیست مخیر - آن قانونی که در مجلس دوم گذشته بود هم پیش ظاهر شده و خود دولت وهمه و کلا تصدیق دارند که طرزش یک طرز خیلی بدی بود برای اداره کردن این مالیات و در کمیسیون هم خیلی مذاکره شد و بالاخره ترتیبی که در دولت می تواند موافقت کند همین پیشنهادی است که آقای افسر فرمودند باین مختصر املا می که اگر بدهند اصلاح بشود بنده موافقت خودم را عرض میکنم

افسر - بسیار خوب اصلاح کنند

رئیس - سایر پیشنهادها فراتر میشود تا این پیشنهاد اصلاح شود. پیشنهاد آقای عدل

(باین مضمون خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم این لایحه از دستور خارج و احاله بکمیسیون شود

عدل - البته قوانینی که از کمیسیونها بیرون می آید اعضاء آن کمیسیون خیلی علاقمند به آن قوانین هستند بخصوص این قوانینی که اسباب رفاهیت و آسودگی مردم است خیلی میل دارند زودتر بگذرد ولی این قانون خیلی بد تنظیم شده است و اغلب آقایان هم با این عرض بنده موافقت

اینست که بنده برای اینکه وقت مجلس هم گرفته شود و هزارتا پیشنهاد اینجا خوانده نشود و بالاخره یک چیز ناقص تصویب نشود

استدعا میکنم این لایحه بکمیسیون بر گردد و اصلاح شود بعد مجلس بیاید و آن لایحه باج راه بکمیسیون رفته بود آن رانام کنیم و لایحه روده را فراد یا پس فردا بمجلس بیاوریم

رئیس - لایحه باج راه هنوز در ابورتش حاضر نشده است.

آقای افسر (اجازه)

افسر - آقایان میدانند یک لایحه باین خوبی که بمجلس آمده است لازم است تکلیف آن معین شود و می جهت در این وقت تنگ مجلس از دستور خارج نمودن و ارجاع بکمیسیون و عقب افتادن لایحه بنده مخالفم و همین امروز باید تکلیف لایحه معلوم شود.

رئیس - رای گرفته میشود بسه پیشنهاد آقای عدل. آقایان موافقتند قیام فرمایند.

(عده فرخواستند)

قابل توجه بودن پیشنهاد آقای دکتر آقاییان .
 آقایانی که موافقت قیام فرمایند .
 (عده برخاستند)
 رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای مدرس
 (اینطور خوانده شد)
 پیشنهاد می‌کنم بعد از افض مسمرای بین‌المللیان ... نوشته شود روده گوسفند یک ریال و روده گوساوی سی شاهی .
 مدرس - بنده حقیقتاً بسیار پیشنهاد آقای دکتر آقاییان موافقت نمود ولی می‌دانستم مجلس رای نمی‌دهد ولی عرض بنده این است که این لفظ مسمرای مجمل است و هیچ‌کس تکلیفش را نمی‌داند عقیده بنده این است که این مسمرای را باید توضیح داد یک ریال هم برای روده گوسفند زیاد است . سی شاهی هم برای گاو زیاد است ولی برای مردم زحمت ندارد .
 ناجری که اینجا می‌فرسد تکلیفش را می‌فهمد که اگر این را باین قیمت بفرسد چقدر فایده دارد و آیا این عمل کردنش صلاح است یا غیر ولی اگر مسمرای بدون تعیین قیمت باشد این روده ها همین طور در بوته اجمال می‌ماند و ضایع می‌شود و کسی هم جرئت نمی‌کند بفرسد چون پیشنهاد است زیاد تر عرضی نمی‌کنم و الا تاریخش را عرض می‌کردم که تمام این قوانینی که گذشته بی‌مطالعه بوده که زود نسخ میشود و ما باید یک قوانینی بگذرانیم که بگذرد نسخ نشود . سابقاً از صاحبان گوسفند دو ریال می‌گرفتند ولی خودش روده اش را ده شاهی می‌فروخت این است که بنده این پیشنهاد را عرض کردم اگر آقایان وای بدهند برای مردم زحمت ندارد و تکلیفشان را میدانند آنوقت اگر تجار بدها شکایت کردند که تجارت ضرر می‌فروشد و قمش آسان تر است . این است عرض بنده
 وزیر مالیه - بنده مقصود از این پیشنهاد در درست تلفظ نمی‌شود که مقصود آقایان چیست یک وقت این است که می خواهند اساساً این مالیات را از بین ببرند آن یک صورت دیگر است .
 ولی یک وقت این است که می خواهیم یک مالیاتی که وضع شده و همه صلاح میدانند [بیک صورتی اصلاح کنیم که اسباب آسودگی مردم فراهم شود و دولت هم بتواند عایدانش را به سهولت وصول کند .
 بنده مکرر عرض کرده‌ام که دولت حاضر نمی‌شود ترتیبی پیش بیاورد که صادرات مملکت از بین برود و چون عایدانش به دولت میرسد .

خود دولت بیش از همه سعی دارد که این جنس خارج شود این هیچ جای تردید نیست .
 عرض کردم که مخارج حمل و نقل و تهیه آن چیزیکه باید برای منافع تاجر معین شود دولت هم اینها را در نظر می‌گیرد و قیمت را از روی تاکس بازار خارج معین میکنند و اعلان می‌کند یکی سی شاهی یا دو قران یا سه قران و این یک چیزی نیست که ما قیمتش را در مجلس معین کنیم که یک قران یا دو قران یا بیشتر گرفته شود .
 اگر در خارج این جنس یکی یک قران بفروش رسد آنوقت ممکن است فرضاً ده شاهی گرفته و اگر بیشتر بود بیشتر می‌گیرند و بنده مکرر عرض کرده‌ام که مخارج حمل و نقل و تهیه و سایر مخارج ملحوظ میشود و از باقی آن یک مالیاتی میگیرند .
 مثلاً الان که دولت میخواهد این را بموقع اجرا بگذارد و حساب می‌کند می‌بیند سی شاهی باید بگیرد اعلان می‌کند بعد اگر تفاوت قیمتی در آن نقاطی که بفروش میرسد پیدا شد میتواند از روی حساب آنجا نرخ را که معین کرده است تغییر بدهد که صادراتش هم از بین نرفته باشد .
 رئیس - عقیده کیسیون چیست؟
 مخیر - بنظر مجلس واگذار می‌کنم
 رئیس - رای گرفته می‌شود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای مدرس آقاییان که موافقت قیام فرمایند .
 (عده برخاستند)
 رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای غلامحسین میرزا
 (باین ترتیب خوانده شد)
 بنده پیشنهاد میکنم که از روده در سرحد دانه یکقران گرفته شود
 غلامحسین میرزا - بنده توضیحاتی ندارم . آقای مدرس توضیحاتی که لازم بود دادند
 رئیس - آقای مخیر یک قبری هم توجه به پیشنهاد فرمایند .
 عقیده کیسیون چیست
 مخیر - بنظر مجلس واگذار میکنم
 رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد . آقایان که موافقت قیام فرمایند .
 (معدودی برخاستند)
 رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای انشار
 (بضمون ذیل قرائت شد)
 ماده دو را بطریق ذیل اصلاح میکنم
 ماده دو - در موقع خروج از ایران مملکت نباشد که مخالف باشد ولی آقایان

مالیات ذیل از روده ماخوذ خواهد شد . روده گاو میش - رسته دو قران . روده بز و میش رسته یک قران روده گوسفند . رسته سی شاهی
 انشار - بعقیده بنده هر مالیاتی که قانون سابق داشته و هر معیاری که لایحه فعلی داشته باشد کلاً (مسمرای) آن معیار را رفع نمیکند و این معیار را کاملاً از بین می‌برند اولاً آقای وزیر مالیه می‌فرمایند ما از نقطه نظر تغذیه زحمت مردم خواستیم این کله را بکنجا بیم
 اولاً نسیم چیست؟ نسیم عبارتست از تعیین قیمت از روی نرخ بازار در این صورت باید در گمرک یک تالگر انتخاب باشد که هر روز مظنه قیمت روده را از بازارهای دنیا بگیرد و بازار گمرک بدهد آنها هم از روی آن میزان نسیم کنند
 اگر این ترتیب نباشد مطابق یکجراوند و اخباری که از خارج می‌آید قیمت سه ماه قبل بازار دنیا را باید میزان قرار بدهند و از آن رویول بگیرند آنوقت برای اشخاص به هیچوجه صرف نمی‌کنند که این تجارت را بکنند و بنده درسی شاهی و یک قران اسراری ندارم و هر طور آقایان صلاح میدانند کمتر یا زودتر پیشنهاد کنند مقصود این است که قیمت تعیین شود
 رئیس - در صورتی که بقیمت معین نیستند چطور در رای بگیریم
 انشار - رای بگیریم
 رئیس - شما می‌فرمایید که من مقید نیستم باین قیمتی که پیشنهاد معین شده رای گرفته می‌شود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای انشار آقاییان موافقت قیام فرمایند .
 (عده برخاستند)
 رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای شایرانی
 (شرح آتی قرائت شد)
 پیشنهاد میشود ماده دوم بطریق ذیل اصلاح شود
 ماده دوم - پس از وضع مخارج به عمل آوردن روده و ابرت حمل و نقل و سایر مخارج تجارته و منظور نمودن صدی ده برای منافع متصدی قیمت مسمره روده در موقع خروج از ایران ماخوذ میشود شیروانی - توضیحاتی که آقایان موافقت می‌دهند بنده تشبیه می‌کنم باین که بگذرد امروز دستش زیر ساطور است ما می‌خواهیم یک عده اشخاص را راحت کنیم و در عین حال بخواهیم یک عده دیگر را اوارا کنیم که زحمت بکشند و روده تهیه کنند و سر حد که میرسد بدهند دولت در نتیجه چه می‌شود؟
 عایدی دولت بکلی از بین می‌رود برای این که هیچ دیوانه این کار را نمی‌کند و یک صادره مهم ما از بین می‌رود در اصل قرضه گمان میکنم هیچکس در این مملکت نباشد که مخالف باشد ولی آقایان

هم موافقت فرمایند که طرز عمل در جریان این کار یک شکلی باشد که اصل قضیه از بین نرود
 بنده پیشنهاد کردم مخارج حمل و نقل و خرج بعمل آوردن بالاخره هر چه تمام می‌شود صدی ده هم به آن تاجر منافع بدهند بقیاش هر چه می‌شود از او بگیرند این پیشنهاد بنده است حالا دیگر بسته بنظر آقایان است
 وزیر مالیه - یک پیشنهادی هم آقای انسر کرده‌اند آن پیشنهاد هم قرائت می‌شود موافقت کنند
 رئیس - پیشنهاد آقای انسر خوانده میشود
 (اینطور خوانده شد)
 وزارت مالیه سالی یک مرتبه میزان مخارج حمل و نقل و تهیه روده را برای صدور از مملکت معین نموده از قیمت فروش در بازار خارج که قیمت آن را اعلان خواهد کرد
 تبصره - در صورتی که از این قیمت صادرات مملکت نکسی وارد شود وزارت مالیه میتواند تجدید نظر کند
 رئیس - عالی ای حال این پیشنهاد و پیشنهاد آقای شیروانی دو موضوع است
 مخیر - بنده پیشنهاد آقای انسر را قبول میکنم
 رئیس - اول تکلیف پیشنهاد آقای شیروانی را معین کنید
 مخیر - مجدداً قرائت شود
 (شرح سابق خوانده شد)
 مخیر - این را قبول می‌کنم
 رئیس - آقای انسر هم موافقت میکنند؟
 انسر - بلی
 رئیس - سایر پیشنهادها قرائت می‌شود
 که تکلیف آنها معلوم شود پیشنهاد آقای حکمت گمان می‌کنم مورد نداشته باشد
 حکمت - استرداد می‌کنم
 رئیس - پیشنهاد آقای اشکر قرائت می‌شود
 (شرح ذیل خوانده شد)
 بنده پیشنهاد می‌کنم در گمرک از قیمت مسمره وقت از روده صدی پنجاه دریافت شود .
 اشکر - مقصود بنده از تقدیم این پیشنهاد این بود که اساساً نظر دولت را متوجه این مسئله بکنم و گمان نمی‌کنم کسی رای بدهد که یک چیز مجهولی گرفته شود که مثلاً قیمت مسمره روده هر چه هست در سرحد معین کنند و بگیرند و البته این ممکن نیست و باید معین شود از این روده که از سر حد بخواهد خارج شود چقدر دولت خواهد

گرفت و چه درش بآن کسی که میخواهد حمل کند عاید خواهد شد
 اگر بنا شود بخواهیم معین کنیم که هر روده مصارف پاک کردن و درست کردن و حمل کردنش چقدر است و بعد از این مخارج یک قیمتی معین کنند
 ممکن نیست برای اینکه البته اگر این روده در یکی از شهرهای دور از سرحد و در مرز کز مملکت باشد و بخواهد حمل شود مخارج حملش فرق میکند با نقاطی که نزدیک سرحد است و تعیین این مطلب برای دولت خیلی مشکل است و برای تجاری هم که میخواهند خرید کنند خیلی مشکل است
 بجهت اینکه نمیتوانند منتظر شوند که دولت بعد از سه ماه دیگر اعلان کند آنها باید بفرستند و تهیه کنند و حمل کنند .
 مثلاً این اعلانی که امروز دولت کرده است فرض بفرمائید فلانقدر معین کرده و تاجر روده می‌فرد .
 بعد از سه ماه دیگر دولت خیال میکند که از این مبلغ ضرر دوار وارد میشود یا اینکه میگویند مخارج حمل و نقل را ما اینقدر قبول نداریم در این صورت موجب خسارت اشخاصی که این تجارت را میکنند خواهد شد .
 آنوقت نتیجه این کارها این میشود که دیگر هیچکس حاضر برای خرید و حمل روده نشود و بهتر این است که دولت معین کند که نصف قیمت روده برای مخارج حمل و نقل و عایدی آن شخصی که تصدیق تعیین شود و نصف قیمت روده را هم در سرحد بگیرند
 معاون وزارت مالیه - مطلب عیش در این است که همیشه یک طرف یا دو طرفش مجهولست اشکال در این است و تمام این پیشنهادها هم برای این بوده است که بتوانند مجهول را یک قدری معلوم نزدیک کنند و آن پیشنهاد آقای شیروانی که مخارج تهیه و حمل و نقل را معین کرده حمل و نقل را نسبت بنقاط معین تفاوت مخارج معین میکنند مخارج تهیه اش هم یک چیز است که بطور متعادل نسبت بهم جا معین و معلوم است .
 رئیس - عقیده کیسیون چیست؟
 مخیر - بنظر مجلس واگذار میکنم
 رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای رضوی آقاییان که موافقت قیام فرمایند .
 (عده برخاستند)
 رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای کازرونی
 (بضمون ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد میکنم که بجای قیمت مسمره نوشته شود :
 از دارنده روده در سرحد صدی بیست دریافت خواهد شد .

خواهد بود .
 آقای سید یعقوب بنده مطابق با عقیده خودم قانونی که دو دوره دوم گذشته است خلاف شرع میدانم
 (همه نمایندگان)
 و هیچکس هم نمیتواند مخالف عقیده بنده باشد . . .
 بعضی از نمایندگان - عقیده خودتان را بگوئید .
 آقای سید یعقوب - کمی که مالک بره است پیش هم مال اوست . روده اش هم مال اوست همه چیزش مال اوست حالا آمدن و روده آنرا بدولت واگذار کردن این را مخالف شرع و مخالف حقوق اسلامی میدانم این است که اینجا یک حقوقی که برای دولت است حقوق دولت را بنده در اینجا هر قدر دارم .
 رئیس - هیچوقت هیچکس از مجالس ایران قانونی مخالف با قانون اسلام وضع نکرده‌اند .
 جمعی از نمایندگان - صحیح است
 رئیس - عقیده کیسیون چیست؟
 مخیر - بنظر مجلس واگذار میکنم
 رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان که موافقت قیام فرمایند .
 (عده برخاستند)
 رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای رضوی
 (اینطور خوانده شد)
 بنده پیشنهاد میکنم ماده دوم اینطور اصلاح شود :
 ماده دوم - دولت معادل صدی چهل از قیمت در سرحد خواهد گرفت
 رضوی - بنده توضیح زیادی نمیدهم برای اینکه آقایان توضیح دادند ولی نقطه نظر بنده مسئله صادرات است که صادرات کم نشود و عقیده ام این است که این قانون مثل بعضی از قوانینی که گاهی می‌آید برای تریاک و گاهی می‌آید برای کتیرا اینها به صادرات مملکت صدمه میرساند .
 بنده از آن نقطه نظر پیشنهاد کردم حالا آقایان رای بدهند بدهند رای نمیدهند ندهند .
 رئیس - عقیده کیسیون چیست؟
 مخیر - بنظر مجلس واگذار میکنم
 رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان که موافقت قیام فرمایند .
 (عده قیام نمودند)
 آقای آقا سید یعقوب استرداد می‌کنم
 رئیس - پیشنهاد دکتر آقاییان
 (اینطور خوانده شد)
 ماده دوم را بنده پیشنهاد میکنم از هر یک رسته روده که از مملکت خارج میشود یک نکت قیمت مسمره آن بتوان مالیات

کازرونی - در آن رایثی که اخیراً از طرف وزارت مالیه منتشر شده است يك توصیه میکنند که هر چیزی را که مانع صادرات مملکت باشد باید از بین برد باینجهت بنده این پیشنهاد را کردم و حتی الامکان باید سعی کرد صادرات مملکت زیاد شود حالا یک قانونی در یک وقتی گذرانده که روده گوسفند هم مال دولت باشد دولت هم رفته است و بجای مردم دو ریال گرفته است در صورتی که در همان ساعت قصاب آن روده که دو ریال پولش را داده است دو عباسی فروخته است دخلی بحداب ندارد . حال من چطور جبران کنم؟
 بنده این را که رویدار را تعمیر کنید برمی‌گردد به هزار دانه دوپست تومان یعنی هر دانه دو قران آنوقت آن کسی که این روده ها را جمع آوری می‌کند از دانه پنج شاهی ناده شاهی متفاوت محل بقصاب پول می‌دهد و روده را می‌خرد آنوقت گریه دارد .
 مخارج دارد و بالاخره روده که وارد بندر میشود دانه یکریال یا سی شاهی برایش تمام می‌شود و دانه دو قران یا دو ریال به تفاوت اوقات در بازار دنیا می‌فروشد .
 پس وقتی اینطور در نظر بگیرید بکلی صادرات را از بین می‌برد . پیشنهاد آقای شیروانی تا اندازه کار را بهتر میکند لیکن همیشه اسباب اشکال و اختلاف نمایان تاجر و کمرک است و تشخیص قیمت حقیقی اشکال دارد این است که بنده پیشنهاد کردم که مثل یکی از مال التجاره ها دولت از این مال التجاره هم صدی بیست در سرحد بگیرد .
 رئیس - عقیده کیسیون چیست؟
 مخیر - بنظر مجلس واگذار میکنم
 رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان که موافقت قیام فرمایند .
 (عده قیام نمودند)
 آقای آقا سید یعقوب استرداد می‌کنم
 رئیس - پیشنهاد دکتر آقاییان
 (اینطور خوانده شد)
 ماده دوم را بنده پیشنهاد میکنم از هر یک رسته روده که از مملکت خارج میشود یک نکت قیمت مسمره آن بتوان مالیات

ماخوذ خواهد شد .
 دکتر آقاییان - خطائی که ایجاد این لایحه را کرده است همان حرفی بود که آقای رهنما فرمودند و فرمودند این یک جنسی است دانه دو ریال میدهد و می‌رود در خارج بفروش می‌رسد اگر این طور است اشکالی ندارد .
 ولی اصل فکر خطا اینجا است که این دانه دو ریال را تا باصل تاجر نمیداده قصاب می‌داده قصاب سی شاهی می‌داد جنس را می‌فروخت پنج شاهی . چرا این کار را می‌کرد؟
 برای اینکه از تاجر روده نمی‌توانت سه هزار تومان چهار هزار تومان پول بگیرد چند سال هم نگاه دارد و با او کسب کند .
 حالا با احساساتی که بنده در اطراف این قانون می‌بینم معلوم است که این قانون بدخواه دولت خواهد گذشت ولی بنده از آقایانی که با این لایحه مخالف هستند تقاضا می‌کنم که موافقت فرمایند زیرا این موافقت ما یک نتیجه خواهد داشت که مردم آسوده می‌شوند .
 لیکن بعد از شش ماه دیگر که دولت دید بکلی این مالیات از بین خواهد رفت یک لایحه جدیدی می‌آورد و این قانون را لغو می‌کند و بالاخره بنده دیگر مخالفت نمی‌کنم و کمال موافقت را هم خواهم کرد .
 رئیس - مسترد گردید پیشنهادتان را دکتر آقاییان - بلی استرداد کردم
 رئیس - تبصره پیشنهاد آقایانیه (شرح ذیل قرائت شد)
 پیش نهاد می‌شود که تبصره ذیل باده دوم علاوه شود .
 تبصره - صدی پنج از عایدات حاصله از روده بتأسیس مدارس صنعتی در ایالات و ولایات تخصیص خواهد یافت
 آقا سید ابراهیم ضیاء - بنده در این قسمت توضیح زیادی ندارم همه آقایان می‌دانند که وصول عایدات برای دولت متضمن هیچگونه خرجی نیست و این مالیات در گمرک وصول می‌شود از آنطرف بایستی مدارس صنعتی در ایالات و ولایات هم تأسیس شود و این یک کار مهم و همیشه دولت اهمیتش را تصدیق دارند و معنی هم برای تأسیس این مدارس در بودجه نیست لذا بنده پیشنهاد کردم که صدی ده از عایدات این محل صرف تأسیس مدارس ایالات و ولایات بشود .
 رئیس - آقای مخیر
 مخیر - بنده بنظر مجلس واگذار می‌کنم
 معاون وزارت مالیه - بضمون مسامحت صنعتی در مملکت یک چیز است که محل شبهه نیست خیلی هم خوبست ولی صرف

نظر از اینکه باین لایحه جدید مسلماً از عایدات روده کسر خواهد شد این را کارنامدار چندی قبل هم در مجلس عرض کردم چقدر خوبست ما توجه کنیم باین اصل را موقوف کنیم که هر مالیاتی که در مجلس وضع می شود یک قسمتش در تخصیص بدهیم بیک محل مخصوص و بایستی عایدات از یک طرف وارد شود در بودجه کل ملکیتی و خارج هر چه هست در جای خودش در بودجه پیش نهاد شود اینطور باشد بهتر است

رئیس - رأی می گیریم باین پیشنهاد آقایان موافقین توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده ذیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد تبصره دیگر پیش نهاد آقای شریعت زاده

(بضمون ذیل فراتر شد)

تبصره اول - روده هائی که قبل از وضع این قانون قیمت مسمر آن در داخله مملکت دریافت گردیده مشمول ماده فوق نخواهد بود

تبصره دوم - هر گاه خریداران روده بموجب قرارداد هائی قیمت مسمره را در ضمن خرید بقررو شده پرداخته باشند باید قیمت مقرر را در سرحد تأدیبه و معادل وجه مزبور را از فروشنده دریافت دارند

رئیس - یک پیشنهاد دیگری هم تقریباً در همین زمینه است

(بشرح آتی خوانده شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد باده دو تبصره هر یک از تجار که دارای روده هستند هر گاه از تاریخ تصویب این قانون تا ۴ روز دیگر روده موجودی خود را بداره مالیه اطلاع دهند اداره مالیه مکلف است معاینه نموده و متنگه کند این نوع روده از تأدیبه حق فوق معاف میباشد

رئیس - آقا شریعت زاده

(اجازه)

شریعت زاده در تبصره اول تصور میکنم توضیحات مفصلی لازم نباشد برای اینکه هر جنسی که در داخله مملکت مالیات میدهد وقتی که بر سرحد رسید دیگر نباید مالیات بدهد

نسبت تبصره نانی ببقیه بنده نظر باطلاعاتی که دارم بین تجار و اشخاص یک معاملاتی شده است

یعنی در ضمن خرید و فروش قیمت مسمر از خریدار گرفته شده اینست که پیشنهاد کردم حق برای این قبیل اشخاص گذاشته شود که آنها بتوانند مراجعه کنند بفرشندگان

وزیر مالیه - اساساً این قیمت ها یک

چیزهائی است که گمان میکنم راجع بقانون نباشد و بایستی در قانون قید شود ترتیب عمل را وزارت مالیه بیک صورتیکه ممکن است در می آورد که هم ب مردم تحویل نشود و هم عملی باشد

برای اینکه اینها یک چیزهائی است که مربوط باین قانون نیست و مربوط بنظامنامه چنانگانه است و صادر نظر داشتیم که این قبیل چیز هادر نظامنامه نوشته شود و مدتی را هم که گذاشتیم برای همین بود که از طرف وزارت مالیه اعلان شود

اشخاصی که روده دارند بیارند و از طرف وزارت مالیه علامتی گذاشته شود که در سرحد راحت نشود

البته گمان نمی کنم این تبصره کافی باشد برای اینکه شاید بیشتر لازم باشد مسئله را بسط بدهند از روی تمیق یک مطالبی را که لازم است ذکر کنند در هر صورت خود وزارت مالیه اقداماتی میکنند که حتی المقدور تا بتوانند جلو گیری کنند که ضرری بتجار نرسد و ترتیب اینکار را خواهد داد

مخبر - اگر درست مراجعه فرمائید ببینند آقای شریعت زاده که حالا اصل ماده شده است قرارداد تاجر پول حمل و نقل و مخرجش را در سرحد منظور بدارد و یک صدی ده هم اضافه باو بدهند و بالاخره اینحال نظریه آقا هم تأمین می شود تصور نمی کنم اشکالی ایجاد شود و بنده چون از نظر کمیسیون اطلاعی ندارم نمی توانم قبول کنم

رئیس - آقای شریعت زاده

(اجازه)

شریعت زاده چون از توضیحات آقای وزیر مالیه معلوم می شود که دولت متوجه باین قسمت هست از این جهت مسترد میکنم

رئیس - آقای طهرانی

(اجازه)

طهرانی - بنده آن مثل معروف را می آورم

بنده از همان کسی که بجهت این پیشنهاد میترسم نظامنامه هائی را که مادیرم خیلی اسباب زحمت مردم شده اگر معمول بنظام نامه بکنیم آن اشخاص بیچاره که امروز صد هزار تومان جنس خریده اند و روده یکی دو قران ۳ قران و بیشتر خریده اند و بر سرحد باید حمل کنند

وقتی که بنا باشد معمول بنظام نامه بکنیم آنوقت ریش آنها را در سرحد می چسبند که باید فلان مبلغ بدهند این چه ضرر دارد مثل سایر چیز های دیگر یک ماده در اینجا وضع شود که هر کس صاحب روده های حاضر است باید باین اطلاع بدهد مالیه او را ببندد و متنگه کند وقتی که از سرحد گذشت کاری نداشته باشند وقتی

که این اعلان را کرتند مردم راحت هستند و سرمایه تجار هم از دستشان نرفته است

رئیس - آقای مخبر

مخبر - تبصره آقای طهرانی را قبول می کنم

رئیس - ماده بانسره فراتر می شود و رأی می گیریم

(بشرح سابق خوانده شد)

رئیس - رأی می گیریم بماده بانسره آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده سوم که ماده چهارم است فراتر می شود

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده سوم - نظامنامه اجرای این قانون را وزارت مالیه تنظیم خواهد نمود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده این عرض را مکرر در مجلس کردم که این نظامنامه های وزارت مالیه یک نظامنامه هائی است که اسباب زحمت مردم شده این قانون که نظامنامه نمی خواهد در گرجک می رود این مبلغ را در گرجک می گیرند بنده مخالفم که مجلس رأی بدهد که وزارت مالیه نظامنامه بنویسد

از این نقطه نظر است که بنده عرض میکنم هیچ ضرری ندارد که آقایان قبول فرمایند از عایداتی که بدست می آید خمس و آن تخصیص داده شود ب موسسات دفع آفات حیوانی و بنده از جهت تصور میکنم نافع و مفید باشد

وزیر مالیه - اگر حضرت والا توجه فرمائید در همین امسال از طرف وزارت مالیه برای موسسه دفع آفات حیوانی دو مرتبه پیشنهاد شده

دفعه اول که دیدیم ناقص بود و در مرتبه دوم بعد از اینکه مجلس بپیشنهاد کردند و دولت و وزارت مالیه البته سعی بکنند که در حدود بودجه اش هر قدر بتوانند این موسسات تمام المنفعه را توسعه بدهد

ولی البته این راهم تصدیق فرمائید که در حدود بودجه باید باشد و اگر یک عملی بیک جای بخصوصی تخصیص داده شود معلولهای دیگر معوق می ماند و این اسباب اشکال است و اساساً همانطور که آقای فرزند اظهار کردند من توجه میدهم آقایان را که هر وقت این نظر را ملحوظ داشته باشند که این شکل تقسیمات نشود و البته هر موقع که دولت عملی برای این قبیل مسائل پیدا بکند فوراً پیشنهاد خواهد کرد

رئیس - آقای مخبر

مخبر - بنظر مجلس واگذار می کنیم

رئیس - رأی می گیریم باین ماده آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده الحاقیه پیشنهاد شده است از طرف جمعی از آقایان

(بشرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد می دارم که خمس از عایدات خالص که از این محل بدست می آید تخصیص داده شود بتوسعه مؤسسات دفع آفات حیوانی در مراکز ایالات و ولایات

بعضی زنگنه - سید کاظم - محمد ولی فیروز - جلال - یدالله نظامی - محمود وحید

رئیس - آقای محمدولی میرزا

(اجازه)

محمد ولی میرزا بر واضح است و محتاج بتوضیح نیست و مخصوصاً اینجا بیک نکته هست که بنده جلب توجه آقایان معترم را میکنم و آن راجع بملاحظه است که همه آقایان راجع بموارد اظهار می فرمودند چون آقای معاون وزارت فوائد عامه در کمیسیون توضیح می دادند که بواسطه امراضی که در ایران در حیوانات هست اغلب اشخاصی که این روده را می خرند همین که سرحد میبرند در گرجک متعجب میشوند برای اینکه روده میبوید و خراب است

از این نقطه نظر است که بنده عرض میکنم هیچ ضرری ندارد که آقایان قبول فرمایند از عایداتی که بدست می آید خمس و آن تخصیص داده شود ب موسسات دفع آفات حیوانی و بنده از جهت تصور میکنم نافع و مفید باشد

وزیر مالیه - اگر حضرت والا توجه فرمائید در همین امسال از طرف وزارت مالیه برای موسسه دفع آفات حیوانی دو مرتبه پیشنهاد شده

دفعه اول که دیدیم ناقص بود و در مرتبه دوم بعد از اینکه مجلس بپیشنهاد کردند و دولت و وزارت مالیه البته سعی بکنند که در حدود بودجه اش هر قدر بتوانند این موسسات تمام المنفعه را توسعه بدهد

ولی البته این راهم تصدیق فرمائید که در حدود بودجه باید باشد و اگر یک عملی بیک جای بخصوصی تخصیص داده شود معلولهای دیگر معوق می ماند و این اسباب اشکال است و اساساً همانطور که آقای فرزند اظهار کردند من توجه میدهم آقایان را که هر وقت این نظر را ملحوظ داشته باشند که این شکل تقسیمات نشود و البته هر موقع که دولت عملی برای این قبیل مسائل پیدا بکند فوراً پیشنهاد خواهد کرد

رئیس - آقای مخبر

مخبر - بنظر مجلس واگذار می کنیم

رئیس - رأی می گیریم باین ماده آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد ماده الحاقیه پیشنهادی آقای روحی

(بشرح ذیل فراتر شد)

ماده الحاقیه دولت مکلف است عایدات خالص از این مالیات را تخصیص بتوسعه مؤسسات دفع آفات حیوانی بدهد

رئیس - پیشنهاد دیگری هم در همین زمینه شده است عرض می رسد

(باین مضمون خوانده شد)

ماده الحاقیه دولت مکلف است عایدات حاصله از این قانون را صرف معاینه متبج ها و حفظ الصحه حیوانات نماید

رئیس - آقای روحی

(اجازه)

روحی - موسسه دفع آفات حیوانی یک موسسه تمام المنفعه است که جدیداً تاسیس شده و آقایان باید بدانند و توجه فرمایند که خروج پوست یا شمش پارود هر چه باشد باید بکنترل این موسسه رسیده باشد و تا اجازه این موسسه برانداخته باشد اجازه خروج بخارج نمیدهند

بنابر این یک ضرر بزرگی بتجاری - خورد پس در مقابل زحمتی که این موسسه میکشد چه ضرر دارد که آقایان باین ماده رأی بدهند که هم یک خدمتی بتجارت مملکت کرده اند هم از آفات حیوانی جلوگیری کرده اند

در هر حال بنده میل دارم که آقای وزیر فوائد عامه یک جواب قانعی بدهند که این موسسه عایداتش کافی خواهد بود برای اینکه وظایف خودش را انجام بدهد

مخبر - بنده اگر لوازم دفع آفات تمام منفعه را باین جهت برای این قبیل مصارف عام المنفعه بپردازم بنده این پیشنهاد را کردم و استدعا میکنم آقای وزیر مالیه قبول کنند

وزیر مالیه - این قسمتی را که میفرمایند در آن لایحه منظور شده مخرج اداره خود آن لایحه است که حداکثر خرج آن اداره را همین میکند که تا چه اندازه است

در اینجا قسمتی را که آقای شریعتی در نظر گرفته اند که این پیشنهاد را کرده اند ممکن است درش صحبت بشود ولی از قراری که دولت اظهار می کند اضافه عایدات مشکل داشته باشد

لهاذا بهمین درجه استدعا می کنم آقایان موافقت فرمایند باین پیشنهاد

رئیس - رأی می گیریم ببینند آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده برخاستند)

رئیس - قابل توجه شد آقای شریعتی

شریعتی - بنده اولاً خیلی متشکر ام از حضرت آقای وزیر مالیه که آن پیشنهاد بنده را قبول کرده

مخبر - من قبول کردم

شریعتی - از آقای مخبر متشکر میکنم ولی اگر یک توجه بفرمائید بنده متذکر می دم آقایان را که الان از محل همین عایداتی که در داخله گرفته می شود در هر مذهبی بیک دوتفر دکتر هست برای معاینه کوفته ها و غالباً ما اطع بیدامی کنیم که کوفته ها ناخوش است و اورانی کشند و می سوزانند یا دفن می کنند بالاخره این عایداتی الان بکلی از بین رفته

بنده اطلاع دارم که بآن دکتر ها از همین محل حقوق داده می شود و حالا که این محل از بین میرود قطع نظر از اینکه آقای روحی توضیح دادند که برای تجارت هم مهم است و باید پوست و پشم از نظر حفظ الصحه معاینه شده باشد از نقطه نظر صادرات هم این مسئله باید رعایت شود و همان گونگی که ما هر روز میفرمایند معاینه بشود

بنده مخصوصاً اسم بردم برای معاینه و آقایان باید بدانند و توجه فرمایند که خروج پوست یا شمش پارود هر چه باشد باید بکنترل این موسسه رسیده باشد و تا اجازه این موسسه برانداخته باشد اجازه خروج بخارج نمیدهند

بنابر این یک ضرر بزرگی بتجاری - خورد پس در مقابل زحمتی که این موسسه میکشد چه ضرر دارد که آقایان باین ماده رأی بدهند که هم یک خدمتی بتجارت مملکت کرده اند هم از آفات حیوانی جلوگیری کرده اند

در هر حال بنده میل دارم که آقای وزیر فوائد عامه یک جواب قانعی بدهند که این موسسه عایداتش کافی خواهد بود برای اینکه وظایف خودش را انجام بدهد

مخبر - بنده اگر لوازم دفع آفات تمام منفعه را باین جهت برای این قبیل مصارف عام المنفعه بپردازم بنده این پیشنهاد را کردم و استدعا میکنم آقای وزیر مالیه قبول کنند

وزیر مالیه - این قسمتی را که میفرمایند در آن لایحه منظور شده مخرج اداره خود آن لایحه است که حداکثر خرج آن اداره را همین میکند که تا چه اندازه است

در اینجا قسمتی را که آقای شریعتی در نظر گرفته اند که این پیشنهاد را کرده اند ممکن است درش صحبت بشود ولی از قراری که دولت اظهار می کند اضافه عایدات مشکل داشته باشد

لهاذا بهمین درجه استدعا می کنم آقایان موافقت فرمایند باین پیشنهاد

رئیس - رأی می گیریم ببینند آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده برخاستند)

رئیس - قابل توجه شد آقای شریعتی

شریعتی - بنده اولاً خیلی متشکر ام از حضرت آقای وزیر مالیه که آن پیشنهاد بنده را قبول کرده

رئیس - رأی می گیریم باین توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده برخاستند)

رئیس - قابل توجه شد خورد کلیات است آقایان میرزا شهاب

(اجازه)

آقا میرزا شهاب - چون مقداری از ظهر گذشته و آقایان هم خسته شده اند جمعی از نمایندگان صحیح است آقایان میرزا شهاب - خوب آقایان صحیح است ایشان را بفرمائید تا من عرضم را عرض کنم

در این قسمت های اخیر مجلس خدمات مابعد ایران دارد تکمیل میشود هر روز يك مالیات سنگین برای این مردم وضع میکنیم بجهت اصلاح است صحیح است میکنند

همین امروز و دیروز فریب ۶ میلیون بوجوب احساسیه که اشخاص با اطلاع داده اند با هم القاء باج راه مالیات وضع کردیم منتهی يك فورمول تازه پیدا شده است که تا حالا کلاه سنگ ملت را ببینیم می زدند حالا دولت بنام آسایش ملت این مالیاتها را وضع میکند

این فورمول تازه است که پیدا شده است که بنام آسایش ملت این مالیاتهای گرسنگان را برای آنها وضع میکنند و بجهت اصلاح است می گویند مملکت خرج دارد کی میگوید مملکت خرج ندارد؟ همه میگورند مملکت خرج دارد و برای مخرج مملکت هم بایستی مالیات وضع کرد

در همه جای دنیا مخرج مملکتشان را می سنجند و مطابق آن مخرج مالیات وضع میکنند غیر از ایران که مخرج بی اندازه ترقی می کند و مالیات راهم همینطور بی تناسب وضع میکنند با هم این مملکت خرج دارد

خوب اگر این شش میلیون مخرج القاء باج راه وضع شده بود از مخرج مملکتی چیزی بزمین بود و حالاً هم با هم آسایش مردم این مالیات وضع میشود

بسیار خوب؟ آخر خوبست در مقابل این مالیاتی که يك اداره ای هم فکر رفاهیت مردم یعنی مکرر صادرات را بکنیم و ببینیم که این مالیات ها از کجا باید داده شود همینطور بی تناسب شش میلیون آجا باید بدهند يك میلیون این جا ده میلیون جای دیگر

بالاخره اینها را از کجا بیاورند بدهند خوبست ما وقتی يك مالیاتی وضع میکنیم اولاً يك عایداتی برای ملت و تجارت مبین کنیم آنوقت بر آن عایدات با بطور تصاعد یا غیر تصاعد يك مالیاتی وضع کنیم والا همینطور تا بهر جا که ممکن است مالیات وضع کنیم چه خواهد شد؟

البتة دولت و وزارت مالیه هر چه عایداتشان زیاد تر شود خوشحال تر هستند

عایدات مملکت سابق بر این درازده میلیون بود حالا شده است بیست و سه میلیون! البته هفت هشت میلیون دیگر هم که اضافه شد در وقت صفر جلو می آید ولی این صفرهایی که برارام عایدات اضافه می شود باعث صفر شدن نیست شدن ملت است!!

می گویند (تسهيلات برای تجار) بنده می بینم که هیچ تسهيلاتی برای تجار نشده است بلکه مشکلاتی هم برای تجار ایجاد شده است تاکنون مالیات رده پستی قیمت روده را از که میگرفتند؟ از قصاب بکنفر از نمایندگان گان - خبر

آقا میرزا شهاب - اجازه بفرمائید بعد بگویم خبر - يك قانونی وضع شده که روده متعلق است بدولت - من مالی آقایان خیلی تند نسبت به بگویم روده مثل مردم باشد و آن قصابون را آغو کنیم خبر

روده مال دولت - بعد دولت دین جمع آوری روده تهیه روده يك مخرج زیاد و يك زحمت زیادی دارد آمدند و روده را مسمر کردند - در ابتدا یازده شاهي و بکنفران وسی شاهی تارساند به - اینجا که حالا میگورند آن قانون بایستی لغو شود و بی خود هم قیمتش را در سرحد بگیریم ولی تاکنون قیمت را از آن قصاب روده را ضبط می کرد میگورند او هم بی بهره یا تنگت - تاجر می فروخت

حالا تاجر این روده را از قصاب بخرد قصاب الحمدالله آورده شد و دیگر نباید این مالیات را بدهد خوب - حالا این تاجری که روده را می گیرد آیا معنی میگورند یا این که تاجر بایستی قیمت روده را بپردازد؟ آنوقت میگورند اسباب تسهيلات شده است بنده که می فهمم

بنا بر این بنده عقیده ام اینست که با اینکه وقت خیلی تنگ است و گاهی هم خیر خسته میشود ولی باید رأی هائی که میبدهیم بکنفران بکنفران بکنیم که بالاخره این مردم بکجا خواهند رسید؟ با این فورمولی که جدیداً بنام آسایش عامه پیدا شده آخر باید دید که چه آسایشی برای عامه منظور خواهد نهاد این بود عرض بنده وزیر فوائد عامه - بنده تصور می کنم که يك ساعت و خوردن ای از ظهر گذشته باشد

بکنفر از نمایندگان گان - دوساعت بهتر است

بکنفر از نمایندگان گان - دوساعت؟ دیگر بهتر است

بکنفر از نمایندگان گان - دوساعت؟ دیگر بهتر است